

خراسان محض زیارت در اواخر صفر، و مرحمت زیادی درباره فقر نمودن. متداول شدن سوخت زغال سنگ در مشهد به بعضی ادارات. مسافرت کپیتان نایب قونسول انگلیس با جمعیتی به اندرخ و بام [و] صفی آباد و نیشابور و تربت.

در قریهٔ چهل حجره حوالی مشهد مسکوک طلای زیادی به خط کوفی و غیره در کنارهٔ جویبار محل رختشویی زنها یافتند که آقا میرزا حسین شجاع التولیه معدودی را دست آورده نزد ایالت کبری برد. اما آنچه مؤلف تحقیق کرد گنجی پر از طلا قسمت نیکبختی شده بوده، برای ردگم کردن معدودی را کنار جویبار ریخته بود.

آمدن ساک<sup>۱</sup> صاحب انگلیس در قهستان و اقامت چند روزه به قریهٔ درخش با جمعی اجزاء نظامی.

حرکت نواب رکن الدوله با دستهٔ سوار و سربازی به گردش نواحی مشهد. شورش اهالی سبزوار که به تدبیر نواب اسعد والا عین الملک (رکن الدولهٔ حالیه) دفع و رفع شد.

رسیدگی صدیق الدوله به امور اوقاف آستانهٔ رضوی (ع) و قرارداد او بر اینکه عایدی هر نقطهٔ موقوفه به محل معینهٔ واقف آن برسد.

داخل شدن شصت نفر خادم و دربان به خدمات آستانه علاوه بر اجزاء سابق.

محجر کشیدن به دو طرف نهر خیابان مشهد از محاذی مقبرهٔ نادرشاه الی تخت داروغه که شش هزار تومان خرج سنگها و محجر تازه شد و به اندک مدتی چوبهای آن را مسافرین و گدایان بردند.

جمع آمدن سی نفر سارق به کوه دال که سوار ابوابجمع شوکت الدوله در ماه جمادی الاول بر آنها حمله برده و شکست خوردند.

(۱) کذا شاید پرسی سایکس

منصوب شدن جناب میرزا محمدحسین خان مستوفی به حکومت سبزوار.

اطلاع دادن یک نفر کرد از دفینه در کوه بین قوچان و دره جز به ایالت خراسان، و مأمور شدن شخص معتمدی بدان محل - بی اصل شدن این مطلب. فرار ذوالفقارخان جمشیدی از پس کمر با چهل نفر همراهان خود به طرف هرات.

رنجش نصرت‌الملک از ایالت و به بهانه شاهان گرماب از شهر خارج شدن و تعلل در انجام اوامر ایالت نمودن و جمع کردن سوار زیبای به اطراف خود، که پس از چند ماه به تهدید ایالت راضی به اطاعت شد. حریق سخت در بجنورد به خانه و عمارات یارمحمدخان سهام‌الدوله واقع گردید و همه را سوخت.

ورود مسیو کاستین بلژیکی به خراسان و توهم اهالی. تعدی نواب جلال‌السلطان به رعایای تربت و بلوچ که به آن جهت عزل شد.

ورود جناب حاجی محمدکاظم ملک‌التجار طهران به مشهد.

۱۳۱۸

سفر شاه به فرنگستان  
سنه ۱۳۱۸ هجری مطابق ۱۹۰۰ مسیحی،  
مسافرت اعلیحضرت مظفرالدین شاه به

فرنگستان جهت معالجه درد مفاصل و ملاقات با سلاطین دول خارجه. و در هنگام عزیمت روز ۱۲ محرم به شهر تبریز نزول اجلال و یک قبضه شمشیر جواهرنشان به حضرت اشرف والا ولیعهد اعطا فرمودند.

از غره محرم حضرات بلژیکی مستخدم ایران تحت ریاست مسیو نوز وزارت و اداره گمرکات را به تحت تصرف خود آورده مشغول شدند.

گرانی ارزاق  
تراشه چوب مخلوط به نان

در عشر دؤم صفر از کردار گماشتگان حاجی  
غلامرضاخان آصف الدوله که حاکم شهر طهران  
بود نرخ ارزاق ترقی کرد، خصوص نان که به هم

نمی رسید و آنچه میسر می شد تراشه چوب را با آرد آمیخته بودند و به مسلمانان  
می فروختند. لهذا مردم به هیجان آمده اجتماعی از زنان فقراء بر ضد  
آصف الدوله شد و بعد نزد علماء بلد به شکایت رفتند و دکاکین سایر کسبه را  
عنفاً بستند. تا تلگرافاً به اعلیحضرت همایونی در فرنگستان خبر رسید. از راه  
تدبیر اشاره به تغییر و تبدیل بعضی امنا فرمودند و بدان وسیله آرامی روی داد.

قدغن واردات

قدغن این دولت توسط مأمورین بلژیکی ورود  
اشیاء ناریه و آلات حربی و ادوات قورخانه و

مسکوکات قدیمه و کتب و روزنامجات متشکل و رنگ و جوهر خشک و تر را  
از سرحدات به داخله ایران.

سرقت آثار باستانی تخت جمشید

فرنگیان که همه ساله از تخت جمشید اشیاء و  
احجار ممتاز بیرون آورده به طور سرقت

می بردند در این سال نیز دو قطعه سنگ مثل جواهر گرانها مخفیانه به دست  
آورده می بردند. وزارت جلیله خارجه ایران توسط شیرازیان از ماجرا مسبوق  
شده تلگرافی به کارگزار بوشهر در کشف و ممانعت سنگها فرمودند.  
مدحت الوزاره کارگزار به تدابیر مخصوصی صندوقهایی که سنگها را دارا بود  
به انبار «افیس» یافت و از انگلیسها گرفته به شیراز فرستاد که هر سنگی یک  
صورت لخت مصفا داشت.

نصب نواب اشرف والا ابوالفتح میرزای

حکومت فارس مؤیدالدوله

مؤیدالدوله به ایالت فارس و ورود به مرکز

حکومت در ۱۸ صفر و در ۲۵ کبیر شدن چند خون ناحق.

بنیاد بدرفتاری امناء بلژیکی به اهالی در ورود و

رفتار بلژیکیها و انگلیسها در ایران

خروج مال التجاره و خیال شورش اهالی اصفهان

و فارس که اعلیحضرت همایونی این تلگراف را محض اسکات اهالی از  
فرنگستان فرمود:

«ظَلَّ السلطان، میزان صد پنج صحت ندارد و قراری که داده شده بهتر از سابق و

صرفه مال تجار است. مظفرالدین شاه»

و نیز صدراعظم به علماء اصفهان تلگراف مخصوصی در رفع اشتباه

نمود.

تکمیل نفوذ انگلیسها به سرحدات و داخله سیستان و آمدن جنرال ترنج

و بنای قلعه در نزدیکی شهر ناصری سیستان به نام ترنج آباد نهادن و آوردن چند

نفر تجار هندی و هنود و غیره به خراسان و ایجاد داک از مشهد به سیستان.

شرارت ارامنه در سبزوار به اوایل ربیع الاول و

دیگر وقایع خراسان

مختصر شورش‌ها که بعد از چند روز رفع شد.

مراجعت جناب ملکالتجار طهران از خراسان.

اخراج چند نفر از اعیان طهران را به بلاد اطراف که می‌گفتند در خیال

آشوب‌اند، به قرار ذیل: معاون‌الدوله، قوام‌الدوله، معین دیوان و نصیر دیوان و

نصیرالدوله و جمعی دیگر.

حرکت نواب والا رکن الدوله از مشهد به طرف گل مکان.

طغیان بعضی تراکمۀ یموت که علاءالدوله به دفع آنها رفت و همه را

تأدیب نمود.

آمدن حاجی امین السلطنه و مختار السلطنه در ماه جمادی الثانیه به

خراسان.

حرکت تمبل صاحب قونسول انگلیس از مشهد به طرف جام و قائنات و

سیستان و مراجعت و رفتن او به فرنگستان.

آوردن پول سیاه مفضضی توسط بانک انگلیس به خراسان و رواج نیافتن.

مأموریت چند دسته سوار تیموری و غیره از خراسان به استرآباد.

افتتاح مدرسه همتیه در مشهد که پس از چندی به هم خورد.

احضار جناب علیقلی خان مشاور الممالک از خراسان به ماه «یانور».

حمله چند فوج پیاده و توپخانه و سواره

وقایع سومار

سرحدی عثمانی به اراضی سومار متصرفی

ایران و قتل جمعی مردان و عیال و اطفال زارعین تبعۀ ایران که فرصت فرار

نیافته بودند و سوختن خرمنهای حاصل حاضر آماده را در ماه جمادی الاول.

والحق تعدی زیادی به اجازه حکمران بغداد درباره زارعین سومار شد.

تگرگ و سیل در خراسان.

اخبار دیگر خراسان

میرزا ابوالقاسم نامی دکتر از دولت علیّه

مأمور شد جهت تفتیش ناخوشی به هرات برود. وقتی به سرحدات رسید،

ساخلیویان افغان جواز ورود ندادند.

میر نصرالله خان پسر میر درویشعلی خان حاکم خواف قهراً<sup>۱</sup> به هرات رفت و پس از چند ماهی مراجعت کرد.

اعلان مسیو کاستین بلژیک رئیس گمرک خراسان به تصویب مؤلف در سرحدات افغانستان که به عابرین تعدی نشود.

چاپار طهران را قلیچ نردینی بین راه خراسان به قتل رسانید.

در مشهد گاوی گوساله دو سر آورد. نزد ایالت و تولیت بردند.

به دهات قوچان شخصی علی خان نام برادر قلیچ آسیابان خود را ابوالحسن خان بن امیر حسین خان شجاع الدوله نامید و جمعی به او گرویدند، اما دستگیر و مقتول شد. و حال آنکه صاحب آن نام چند سال قبل در طهران وفات یافته بود.

وفات والی اعظم خراسان حضرت والا محمدتقی میرزای رکن الدوله طاب ثراه، یوم سه شنبه ۱۵ شوال دو ساعت به غروب مانده از نوبه غش به سن پنجاه و هفت سالگی و دفن آمدن در حریم مطهر رضوی (ع).

نصب حضرت والا شاهزاده والاتبار حاجی سلطان حسین میرزای نیرالدوله به ایالت خراسان و سیستان که با خلف ارشد کامکار خود یوم یکشنبه بیستم شوال سه ساعت به غروب مانده وارد ارض اقدس شدند.

در برجند<sup>۲</sup> روز عید اضحی هنگام مراجعت توپها از خارج - که محض شلیک برده بودند - پای طفل ده ساله زیر عراده آمد و از آن صدمه مرد.

ورود اعلیحضرت شهریار ایران به برلن پایتخت

سفر شاه در فرنگستان

آلمان و پذیرایی اعلیحضرت گلیوم<sup>۳</sup> امپراتور آن

دولت.

۱) یعنی قهر کرد. ۲) بیرجند.

۳) WILHELM ویلهلم

ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران به پطرزبورغ در ۱۷ ژولیه که اعلیحضرت نیکلا امپراتور روس مراسم تشریفاتی را عالی فرمود؛ من جمله سان عساکر اردوی «کرانسوسیلو» در این مورد بود که به طور دفیله هفتاد و یک فوج پیاده نظام و پنجاه و هفت فوج سواره نظام و دو یست و هفده عزاده توپ، تحت ریاست افسری موسوم به گراندوک دالمین از حضور دو پادشاه عظیم الشان دولتین روس و ایران گذشتند.

بلژیک: ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران به شهر بروکسل پایتخت این دولت و پذیرایی شایان پادشاه بلژیک و شرفیاب شدن سلطان محمدشاه نواده مرحوم آقاخان محلاتی به تصویب صدراعظم در این شهر به حضور همایونی و مخلع شدن و ضیافت دادن در استاند به حضرت شهریاری و همراهان که معادل هزار لیره مخارج نمود.

ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران با نهایت جلال به اسلامبول در مراجعت از فرنگ و ملاقات با اعلیحضرت سلطان عثمانی و عهد مودت خالصانه به اقتضای همکیشی بین آن دو پادشاه اعظم اسلام بسته شدن، که در واقع قران سعدین بود. لمؤلفه:

که دارند هر یک به خود کشوری	دو سلطان اقلیم دانشوری
ز قسطنطنی تا عراق عرب	یکی صاحب شام و روم و حلب
که اسلامیان را بود قدردان	جهان بخش و سلطان کشورستان
مظفر شهنشاه ایران زمین	یکی صاحب تاج و تخت و نگین
نثار و کواکب هم از ماه و مهر	که بر چتر شاهیش طاق سپهر
یکی همچو ماه و یکی مشتریست	در آفاق آن هر دو را برتریست
نشستند در بزم هم رو به رو	دو ظلّ خدا از پی گفتگو
غم دل بگفتند با یکدیگر (۱)	ببستند بر روی اغیار در
ببستند عهدهی به رأی متین	پس آنکه پی حفظ ناموس و دین

دل از نور دیدار آراستند به پیمان ازان بزم برخواستند  
پس از چند مهمانی شایان سلطانی و گردش و سیاحت فراوان  
اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران روز ۱۷ اکتوبر از اسلامبول روانه بوداپست  
شدند.

ورود اعلیحضرت مظفرالدین شاه به پاریس در ۱۵ صفر و پذیرایی  
دولت و ملت فرانسه با نهایت احترام از آن اعلیحضرت.  
ابتیاع نمودن شاهنشاه ایران در پاریس یک کالسکه خودرو را که  
فرانسویان «آتم بایل»<sup>۱</sup> و انگلیسان «متوکار»<sup>۲</sup> می نامند.  
اقامت چهل روزه اعلیحضرت اقدس پادشاه ایران در شهر (کانتراکسه  
ویل) برای معالجه و استعمال آب معدنی که بعد از آن به شهر پاریس تشریف  
آوردند. و روزی که از عمارت «اکسپوزیسیون» به سمت منزل می رفتند  
شخصی از فرقه انارشیست که شغلش نجاری بود نزدیک کالسکه آمده با  
تفنگچه ششلوله حمله ور به شخص همایونی گردید. وقتی دست او به نالسکه  
دراز شد میرزا علی اصغرخان صدراعظم و جنرال «پارن» مهماندار شاه و میرزا  
محمودخان وزیر دربار او را گرفته به پولیس شهر سپردند و درحقیقت خطر  
بزرگی دفع و رفع گردید.

۱۳۱۹

در سنه ۱۳۰۶ هجری مطابق ۱۹۰۱ مسیحی،

حاجی زین العابدین تقی<sup>۱</sup>

اقدامات جناب حاجی زین العابدین «تقی اف» از

مسلمانان معروف قفقاز به ترقی امور تجارت ایران و تشویق بعضی قوانین در  
فواید ملک و ملت از عین المال خود شدن. خداوند کاش چندین هزار نفر دیگر  
از مردمان به آن همت و فطرت در بلاد مسلمین علم سازد که مایه افتخار عموم  
اسلامیان شوند.

1) AUTOMOBILE اتومبیل

2) MOTOR CAR موتورکار



قتل حاجی فتاح موصلی

حاجی فتاح نامی از اهل موصل تبعه دولت عثمانی و محض تجارت به شیراز آمده بود

محسن نام و ستارنام شکی (؟) از اتباع روس با او رفیق شده به طمع دارایی و دستمایه که داشته آن بیچاره را کشته و جسدش را قطعه قطعه کرده مثل عدل بار تجارتی می‌بندند و به یخدان می‌گذارند و به عنوان تغییر منزل مقارن غروب آفتاب توسط حمّال به سمت دروازه قصابخانه حمل می‌کنند. بعد حمّال را مرخص نموده جنازه را به چاه می‌اندازند. و بعد به اتاق او رفته و جوه نقدی که داشته می‌برند.

پس از چند روز شاگرد حاجی فتاح مقتول که پسر حاجی مهدی دلال اصفهانی بوده از واقعه پی برده به پدرش می‌گوید و به اطلاع حکومت می‌رسانند. دو نفر قاتل دستگیر و بروز مطلب می‌شود.

دیگر وقایع خراسان

عمود نامی از قریه گراب سبزوار جهت هیزم به کوه رفته مفقود شد.

بنای کاروانسرای از جناب حاجی محمدکاظم ملک‌التجار طهران توسط تقی‌خان معاون الایاله در خیابان علیای شهر مشهد مقدس که بنیاد آن نماینده مخارج زیاد بود.

ورود شعاع السلطنه به شیراز

ورود شاهزاده اشرف ملک منصور میرزای شعاع‌السلطنه به شیراز جهت فرمانفرمایی و

رعایا را گرمی داشتن و اقدام به بعضی آبادیها و تعمیرات فرمودن.

تگرگ سخت در سرخس ناصری سرحد خراسان به اواخر محرم.

افتتاح مدرسه مظفری در طهران و پذیرفتن اطفال سادات و فقرا را بدون

اجرت و مخارج که مصارف آنها از طرف اعلیحضرت شاهنشاه است.

دعوی درویش فتح الله نامی در قریه گوران  
دعوی درویش فتح الله در گوران

کرمانشاهان به دیدن خواب جعلی و مقیم شدن به قدمگاه حضرت امام رضا علیه السلام که رفته رفته مردهای مفت خور دور او را گرفتند و صاحب ادعای فوق العاده شد تا حرکاتش قابل تشویش و توجه دولت گردید. حسب الامر امناء دربار همایونی فوراً جناب اجل مجدالدوله والی کرمانشاهان چند دسته عساکر سواره و پیاده را به دستگیری آن درویش فرستاد. قبل از ورود اردو بدان محل جناب حسین خان امیر تومان حاکم نقطه مزبوره با شیرخان سنجابی به رسم طلایه مأمور محاصره و مواظب او شدند. مریدان بی نام و ننگ مفت خور تا این خبر را شنیدند هر کدام به سمتی گریختند و نوّه قلندر را تنها گذاشتند که به آسانی دستگیر و به قریه کهوره فرستاده شد و روز چهاردهم صفر او را به کرمانشهان آوردند و از آنجا به طهران روانه داشتند. در شهر سبزوار چند نفر مرد لباس زنانه برای انجام مقاصد خود پوشیده به کوچه و بازار گردش می کردند، تا بعضی شناخته و دستگیر شدند.

بند گلستان سه فرسنگی مشهد که منفذش در  
بند گلستان

میان تیره چاهی است و باید هنگام لزوم از میان آن چاه سوراخ ممر آب را بکشایند روز ۴شنبه ۲۳ ربیع الاول کربلایی محمد قلی نام و ملاحسین نامی از زارعین جهت افتتاح راه آب به آن چاه فرو شدند و چراغی برای هدایت همراه داشتند. ناگهان از میان چاه صدای مهیبی بلند شد و محترق گردید به طوری که کربلایی محمدقلی نام نیمه بریان و ملاحسین نیم سوخته گردید. حتی لباسهای بدن هر دو نفر آنها سوخت و صدمه زیاد برایشان رسید و مدتی بستری شدند. جهت احتراق اینکه شوره بسیاری از اثر

آب آهک در زمستان و تابستان به دیوار آن چاه ظاهر و منجمد شده بوده از آتش چراغ مشتعل گردیده. اما مردم محل از روی وهم و قیاس چیزهای بی اصل زیاد می‌گفتند من جمله ارواح غیبیه را بانی این وقایع می‌دانستند. والله اعلم.

تعداد مساجد بلاد روی زمین که برای عبادت  
تعداد مساجد  
اسلامیان ساخته شده سوای مساجد دهات و  
کوهستان در این سال به یکصد و سی و دو هزار و چهارصد و پنجاه و شش باب  
رسید.

در تسویه طریق تپه سلام که از جانب شریف آباد  
جراحات دیلمچی  
به مشهد مقدس می‌آید و بانی ساختن آن عندالله  
حضرت اشرف والا شاهزاده نیرالدوله دامت شوکتہ‌الوالا شدند سنگ عظیمی  
سد راه مسلمانان بود ناچار خواستند با دیلم نقبی در آن سنگ حفر کنند که با  
باروت انباشته آتش دهند شاید متلاشی شود. عبدالرحمان نامی دیلمچی نقبه  
کرد و باروت ریخت و با دیلم کوبید که ناگهان برقی از سنگ دیلم ظاهر شده  
دیلم و قطعات آن حجرالصوان را به هوا برد و جراحت بسیاری به بدن و صدمه  
زیادی به چشم چپ دیلمچی رسید.

خلعت همایونی که زیننده قامت باسعادت  
خلعت پوشی نیرالدوله  
حضرت والا شاهزاده آزاده نیرالدوله والی  
خراسان بود، در ۲۷ ربیع‌الاول توسط جناب امین حضور ورود فرمود و  
استقبال و مراسم خلعت پوشی در نهایت احترام به عمل آمد.

\_\_\_\_\_ در پنجم ربیع الثانی سیل عظیمی به شهر بجنورد  
سیل بجنورد  
\_\_\_\_\_ رخ نمود که از صدمه آن سیصد باب خانه و صد  
باب دکان منهدم گردید و به خسارت یافتگان از همت سرکار سردار مفخم  
حکمران محل هزار و چهارصد تومان وجه اعانه رسید.

\_\_\_\_\_ جناب اشرف پرنس ارفع الدوله که مدتی است از  
ارفع الدوله سفیر در عثمانی  
\_\_\_\_\_ همت و کمال خود مایه افتخار ایران و ایرانیان  
در بلاد خارجه شده در این ایام از وزیرمختاری دربار دولت بهیه روس به  
طهران احضار و به مأموریت سفارت کبرای دولت علیه ایران در اقامت  
اسلامبول منصوب آمد و جناب بندگان اجل آقای مشیرالملک به سمت وزیر  
مختاری سنت پترزبورغ از دارالخلافه عازم شد؛ اندرین راه، مبارک سفرش باد  
و به خیر.

\_\_\_\_\_ قتل محمدنام ولد غلام علی نام گنابادی از اشرار  
اخبار خراسان  
\_\_\_\_\_ معروف در برج باغی به قریه (سپند) که مأمورین  
ایالت و اجزاء حکومت محل او را محاصره و هدف گلوله نمودند و عبدالله نام  
رفیق او را نیز دستگیر کردند.

زلزله شدیدی در تون به لیل۴ شنبه ۲۱ ربیع الثانی.  
رفتن محمدناصرخان شجاع الدوله به سرکشی سرحدات قوچان الی  
کیفان و [از] اسب افتادن در مراجعت که پایش شکست و بستری شد.  
همدرین اوقات یهودیان ساکن مشهد که خود را موسوم به جدیدالاسلام  
داشته اند به توسط یعقوب جهود پسر آقا جان کور بعضی تذکره تبعیت و سند  
حمایت نامه از قونسولگری انگلیس گرفتند که شاید جواب مسلمین را به زور

انگلیسها بدهند و دین باطنی خود را ابراز دارند.

ورود جناب نصیرالملک شیرازی به سمت تولیت آستانه مقدسه رضوی (ع) به ارض اقدس در یوم جمعه ششم جمادی الآخره. اجماع و حمله تراکمه یاغی گرگانی و یموت به قصد غارت قلعه دشت و تصرف آن محل و محاصره داشتن که سهام الدوله و شجاع الممالک با سوار و قزاق خود به یاغیان حمله برده آنها را پراکنده ساختند. تگرگ ایه وزن ۳۱ مثقال در ماه ذیحجه به خیرآباد سرحد قوچان بارید.

سنه ۱۳۲۰ هجری مطابق ۱۹۰۲ مسیحی،  
سیمکشی تلگراف  
بین سیستان و ارض اقدس

کشیدن سیم تلگراف از ارض اقدس به طرف سیستان که شروع آن از ۲۴ ماه ذیحجه ماضیه با حضور مجلسی در تلگرافخانه بود و شاهزادگان و رجال دولت علیه ایران و ژنرال قونسولهای روس و انگلیس نیز به صرف شربت دعوت داشتند و جناب میرزا محمدقلی خان منتخب الملک کارگزار با جناب خبیرالدوله مهماندار به وضع خوشی ترتیب مجلس را داده جواب نطق ژنرال پانافدین روس و ژنرال ترنج انگلیس را که تبریک گفتند ادا نمودند. مهندس سیمکشی نیز مسیو کیناز روسی بود.

ملک الشعرای صبوری مرحوم این فرد شعر را در ماده تاریخ گفته:

ناگاه زان میانه یکی شد برون و گفت:

پیوست سیم عدل الهی به سیستان!

(۱۳۲۰)

و دیگر «مشکوة» شاعر گفته: نیمروز امروز شد آباد زین زنجیر عدل (۱۳۲۰)

افتتاح بانک مباحه روسی در خراسان به ماه  
اخبار خراسان  
صفر.

حمله سهام الدوله به سواران تراکمه یاغی که به قصد دستبرد آمده بودند  
و با خسارت زیادی شکست خوردند.

مسافرت اعلیحضرت (مظفرالدین شاه خلدالله  
خریدن کشتی مظفری  
ملکه) با ۳۴ نفر رجال دولت و ملتزمین رکاب

خود از راه قفقاز و روسیه به طرف فرنگستان و ابتیاع کشتی مظفری  
انجام فتوحات عساکر ایران تحت ریاست جناب علاءالملک در  
بلوچستان و خراب نمودن قلاع محکمه کوهک غلام محمدخان و قلعه  
شاه جهان بلوچ و سایرین را مثل شتیان و سرجو.

اقدام حکومت بجنورد به موقوف بودن تریاک کشی در قلمرو خود.  
در ليله ۱۵ جمادی الثانی به خراسان از همت بلند نواب اسعد کامگار  
شاهزاده نیرالدوله جشن میلاد همایونی را خیلی باشکوه گرفتند. چون جناب  
نصیرالملک متولی باشی و جناب منتخب الملک کارگزار خراسان هم اقداماتی  
به تجمل جشن ولینعمت خود داشتند و دعوت مفصلی از اعیان داخله و  
اعضای خارجه [به] عمل آمد.

به قصاص رسیدن قاتلین دخترک مقتوله کوچه  
دیگر اخبار ایران  
قاجاریه.

باران و سیل طوفان شدید در سراب تبریز که چندین خانه را ویران کرد.  
مأمور شدن چهارصد نفر سرباز از فوج قرایی ابوابجمع شجاع الملک به  
سیستان، جهت سرحداری ملک سیاه کوه و غیره که انگلیسها مضراب خیام و

مقام خود قرار داده‌اند و غصبت فعلیه آنها شرعاً ظاهر است.  
مراجعت موكب مسعود سلطان ايران از فرنگستان به سرحد آستارا  
مطابق ۲۷ جمادی الآخره و جشن گرفتن عموم ایرانیان و ورود به دارالخلافه در  
۲۲ رجب.

وقوع حریق در شهر رشت به شب ۴شنبه ۲۷ جمادی‌الثانیه.  
تلف شدن سه طفل در قوچان از شخصی که زنش به حمام رفته بود و  
طفلها را برای آنکه محفوظ بمانند در میان حوض خالی خانه با آجیل دو سه  
ساعته گذاشته بود و آن مرد بی‌خبر از کوچه آب را به منزل خود رها کرده بود.  
طغیان سارقین و اشرار بختیاری در راه یزد خصوص در پُشتکوه.  
عین‌الشرف قنات آب میرزااست که شاهزاده آزاده و الاتبار والی مملکت  
مدار نیرالدوله به آستان مقدس سلطان ملایک پاسبان امام‌العالمین حضرت  
رضا علیه‌السلام وقف و جاری به صحن مطهر نمود و اکنون مایه آسایش زایرین  
و طلاب و اهالی است.

قتل غلام حسنعلی از الواط کبار مشهد در شب هشتم شوال به خانه  
حاجی محمد مهدی نام که سایر میهمان او مقتول مشارالیه را هدف گلوله قرار  
دادند.

سرمای سخت به خراسان در ۲۳ شوال.  
دایر شدن چراغ الکتریکی تقدیم همایونی به آستان رضوی (ع) توسط  
جناب حاجی محمد باقر آقا رضایوف از معاریف و ادباء زمان.  
ورود کشتی مظفری جدیدالابتیاع دولت به بوشهر.  
وفات محمدناصرخان شجاع‌الدوله قوچانی که از کثرت آرایش  
مسکرات در مدت عمر فرقی بین محرم و نوروز نگذاشت.  
گویند که در باغ بهار آمد و دی رفت  
او هیچ ندانست که کی آمد و کی رفت

توسّل صبیّه فالج حاجی مُلاً آقابزرگ مجتهد تهرانی به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و شفا یافتن در یک شب پس از چند سال مایوسی. آتش گرفتن میدان چوب‌فروشی شهر تبریز در ۲۳ جمادی‌الاولی که پنجاه هزار تومان خسارت وارد آورد.

خرابی زیاد در مزارع و راههای رشت از باران. زلزله سخت در بندرعباس و خرابی اغلب اماکن که تا چند شبانه‌روز مسلسل زمین‌لرزه بود و خسارت زیادی به اهالی رسید و این وقایع در جزیره قشم نیز رخ داده است. اما در بندرعباس جز یک دختری زیر آوار نماند، مابقی مردم از لطف خدا ایمن ماندند. ظهور اغتشاش اهالی کرمان و خونریزی از یکدیگر.

جشن تاجگذاری آلفونس سیزدهم پادشاه اسپانیول که نمایندگان تمام دول به تبریک و تهنیت جشن او حاضر بودند در یوم پنجشنبه ۶

---

شرکت پرنس ارفع در  
جشن تاجگذاری پادشاه اسپانیا

---

صفر و ۱۹ مه ماه فرنگی.

و از طرف دولت علیه ایران جناب پرنس ارفع‌الدوله که از رجال کافی و باهمت روزگار است مأمور تبریک به تاجگذاری آلفونس سیزدهم گردید و چون به قواعد حروف تهجی، محل ایستادن و نشستن نمایندگان دول را تعیین داشته بودند، جناب پرنس ارفع‌الدوله مقدم بر همه اتفاق افتاد. یعنی نمایندگان آلمان و انگلیس شخصیت معزی‌الیه را نداشتند که مصدر واقع شوند.

ورود اعلیحضرت پادشاه ایران به پرتسموث شهر معتبر انگلیس جهت بازدید امپراتور آن

---

شاه ایران در اروپا

---

دولت در ۲۳ جمادی‌الاولی و استقبال آمدن پادشاه انگلستان با کشتی



مخصوص و پذیرایی نمودن از وارد معظم و شهر و کشتیها را به بیارق ایرانی زینت دادن.

ورود اعلیحضرت پادشاه ایران به پاریس در ۲۷ جمادی الاولی و پذیرایی شایان از دولت و ملت فرانسه دیدن.

آمدن خدیو مصر حلمی پاشا در این مملکت به دیدن اعلیحضرت مظفرالدین شاه.

۱۳۲۱

سنه ۱۳۲۱ هجری مطابق ۱۹۰۳ مسیحی، بلوای

وقایع سال ۱۳۲۱ هجری

طلاب مدرسه محمدیه طهران بر ضد جناب آقا

سید عبدالله پیشنماز - کثرالله امثاله - و گرفتار نمودن چهارده نفر شورشیان را حکومت طهران و فرستادن به اردبیل.

فوت جناب شریعتمدار حاجی میرزا زین العابدین امام جمعه طهران - اعلی الله مقامه - در سنّ شصت سالگی که باعث تأسف رجال دولت و بزرگان ملت ایران شد.

مأمور شدن یک نفر مهندس اروپایی به بازدید صحرای عربستان که باید از رود کازرون مشروب شود به حکم اعلیحضرت شاهنشاه ایران.

منازعه افغانه ایلات با رعایای سیستان به تحریک انگلیس که فوراً به بهانه اصلاح ذات البین کمیون خود را بدان محل آوردند.

بلوای بی جهت اغلب اهالی مشهد بر ضد ایالت

اغتشاش در مشهد

کبری - نیرالدوله - به دستورالعمل چند نفر اعیان

که عداوت سابقه با شاهزاده معظم الیه داشتند و به گرانی نان اقدام نموده به تحریک اهالی پرداختند و چندین زن را به فساد واداشتند، در ماه صفر. و آن اغتشاش مایه خسارت زیاد به ملت و دولت و ایالت شد. من جمله قحطی نان

که به درب هر دکان خبّازی یک نفر آخوند گذاشته بودند از برای نظم. ولی بیچاره‌های طلبه که درسی جز «صَرَب» نخوانده و داخل در ظلمه نبوده نیستند، با چه قوه جبریّه می‌توانستند شورش قحطی را منظم سازند؟

لهذا بازار آشفته بود و هنگامه غریبی روی داد. تا

غارت خانه رکن التولیه

به اشاره مفسدین اوّل به خانه و منازل

یوسف‌خان بیگلربیگی و بعد به خانه جناب نقیب‌الاشراف رکن‌التولیه سرکشیک ریخته اسباب و اموال دفته آن سید جلیل را به تاراج بردند و گندم و جو و آلات حدیده و خشبیه و مسینه و غیره که از چندین سال ذخیره داشت همه به یغما رفت و مردمان بیرحم درختان گل و گلدانهای مرتب را برهم شکسته، بدتر از غیردین به خرابی ابنیه و عمارات او جدّ و جهد داشتند و همچنان در خانه بیگلربیگی ابواب و پنجره‌ها و اسبابهای قطعه و فرشهای رنگین و اشجار و گل و مل زیادی شکسته و سوخته و تاراج نمودند. و در پیشاپیش بلوئیان آدم نامی که بشود شناخت نبود. مگر چند نفر تریاکی آسمان جُل و انبوهی از مردمان متفرقه هر طایفه و هر صنف. ایالت که آنها را خیره دید در گذرهای ارگ توپخانه‌ها و سرباز مهیا کرده به جمع‌آوری استعداد جزئی پرداخت. علاوه بر افواج ساخلو شهر دستجات سواران قوچان و دره جز و سایر نواحی خراسان را احضار نموده در ظرف یک هفته هشت‌هزار قشون و ایلجاری پیاده و سواره در ارگ فراهم آورده مخارج عموم آنها را متحمّل شد.

از این طرف شورشیان به واهمه افتاده اغلب متفرق شدند تا جمعی از روضه‌خوانان عساکر حسینی را همان اشخاصی که طرف بودند به مواعید چندی در قیل و قال واداشتند. از آنجایی که صنف مزبور را سلطانی قوی و آقای مقتدر است قوام و دوام در اغتشاش و هیاهو دادند تا رجال دولت علیه برای خوشنودی خاطر رعیت صرف‌نظر از زحمات و خسارات ایالت فرموده

اقدام به امنیّت داشتند.

هم در آن وقت والی والاتبار معظم که طرف شدن را با ملت بی ثمر دانسته بود تلگرافاً از فرمانفرمایی استعفا داده، پس از چند روز روانه طهران شد.

نصب حضرت اشرف والا شاهزاده علینقی میرزای رکنالدوله به ایالت خراسان و ورود نواب معظم‌الیه به ارض اقدس قبل از ظهر یکشنبه غره جمادی الاولی و استقبال شایان و شادمانی اهالی در ورود آن والی والاتبار. عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت

صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت

هم در آن روز که اهالی پیشواز رفته بودند و  
بچه دزدی یهودیان مشهد  
کوچه‌های شهر خلوت بود یعقوب یهودی پسر آقا جان کور و دو سه نفر از یهودیان معروف مشهد به اطلاع پسران حاجی عبدالرحمان کبیر طفل هشت ساله مسلمانی را از کوچه گرفته به منازل محکمه خود برده به رسم همه ساله که عموم ملت یهودی دارند و باید به هر شهر یک مسلمانزاده را محمّدی نموده خونس را بریزند از راه عداوت مطابق دستورالعمل ملّتی خود آن طفل بی‌گناه را کشتند.

کدخدای محل و جمعی از اجزاء اداره نظمیّه و مردمان دیگر این مطلب را دانسته و با رؤسای یهودیها گفتگو کردند. آنها هم به هر تدبیر بود مهر خموشی به لب و دهان کدخدا و سایر آگاهان زده نگذاشتند واقعه به ایالت و اولیای دولت برسد. تا بسیاری مردم از آه و ناله مادر و پدر آن طفل مقتول محمّدی شده به خیال تلافی برآمدند. تا آن وقت یهودیها شخص شبیه‌العلمائی را به خود مرتبی قرار داده به زور رشوه کاغذی گرفتند که آه و ناله آن طفل مقتول را در منزل یهودیها هر که شنیده اشتباه و قیل و قال عروس نابالغی بوده که داماد

قصده تصرف او را داشته و او نمی‌گذاشته! شخصی در جواب گفت: پس آن طفل زن و مرد زوار از میان کوچهٔ این محلّ یهودیها چه شده؟ گفتند: ممکن است عقاب از آسمان آمده او را برداشته باشد یا در چاههای آب باران افتاده مفقودالآثر شده باشد.

با وصف این حال کسی پیدا نشد که از این مطلب عقبگیری نماید و عذر یهودیان را نپذیرد. زیرا که نه آنطور عروس و دامادی میان آنها بوده و نه آنها دختران نابالغ خود را به شوهر می‌دهند که برداشته نتواند! «و آنگاه نالهٔ مرغ گرفتار نشانی دارد». عجز و زاری طفل مسلمان گرفتار دست یهودیان البته اثر مخصوصی داشت که مستمعین تأسّف داشتند.

پس به هر شهری که احتمال دو نفر یهودی باشد زینهار اطفال کوچک مسلمین نباید بی‌پرستار به کوچه و بازار بروند.

مهیّا نمودن جناب حاجی سیف‌الدوله اردوی قشون منظمی را در نقطهٔ حیدرآباد سرحد استرآباد.

ورود سفاین جنگی انگلیس به قصد ضبط  
متصرفات ایران در بحرین به تاریخ ۲۳ فورال که  
تمام علماء و جناب آقا شیخ علی رئیس روحانی

ورود سفاین انگلیسی به بحرین  
و ضبط تصرفات ایران

اهالی فرار اختیار کردند. و عساکر انگلیس از کشتیها بیرون آمده داخل شهر شدند و به تاراج اموال و بی‌ناموسی بسیار اقدام نمودند و از این مطلب غبار غمی بر دل مسلمانان آن سامان تا قیامت گذارده شد و سایر مؤمنین ایران نیز به عصبیت مذهبی خود را با آن برادران دینی غم شریک دانسته اظهار همدردی داشته و دارند. شاید خداوند فرصتی بدهد که تلافی آن حرکات انگلیسها از ملت حنیف اسلام به ظهور رسد. القصد تهدید سفاین و تعدی عساکر انگلیس در بحرین به حدی شد که احدی از ملت یا اجزاء دولت علیهٔ ایران رهایی از

چنگال ظلم نداشتند و آن محل در قبضه اقدار انگلیسها باقی ماند.

اختتام کار بلوچستان و تفریق مأمورین دولتین  
اختتام کار بلوچستان  
ایران و انگلیس در چاه بهار که مأمورین انگلیس  
به مکران [رفتند] و اعتلاءالدوله با کشتی پرس پلیس به طرف عربستان رفت و  
شاهزاده حکمران نیز به جانب بمپور شتافت.

۱۳۲۲  
اعیان کشور در حضور شاه  
سنه ۱۳۲۲ هجری مطابق ۱۹۰۴ مسیحی، صدور  
فرمان اعلیحضرت اقدس مظفرالدین شاه  
خلدالله ملکه و دولته به احضار عموم حکام و شهزادگان عظام و ولات والامقام  
ممالک ایران در پیشگاه همایون که روز ۲شنبه ۲۲ محرم، حسب الامر، همه آنها  
از مسافتات بعیده دور و نزدیک به باغ دوشان تپه حضور به هم رسانیده در سلام  
خاص شرف اندوز گردیدند و مخاطب به الطاف شاهانه و نطق خسروانه و  
اوامر ملوکانه در اصلاح امور لشکری و کشوری و تنظیمات مملکتی و ملتی  
شدند.

ورود جناب مستطاب حجت الاسلام آقای  
بتهد مامقانی در مشهد  
حاجی میرزا حسن مجتهد مامقانی جهت  
زیارت به ارض اقدس رضوی (ع) در ماه جمادی الاولی که در مسجد گوهرشاد  
هنگام ادای نماز اغلب اوقات تعداد مقتدیان به بیست هزار نفر می رسید و مکبر  
متعدد در بین صفوف جمعیت روی منبرها برای اعلان تکبیر حاضر بودند.

ارسال داشتن اعلیحضرت شاهنشاه ایران یک

قطعه نشان تمثال همایون خود را به حضرت والا

خدایو مصر، به تصویب جناب ارفع الدوله که توسط بقاء السلطنه<sup>۱</sup> جنرال  
قونسول ایران مقیم مصر رسید.

شیوع وبائی به طهران و مضافات.

فوت جناب حاجی میرزا مهدی مجتهد از اجله فقهاء اعلی الله مقامه به  
مرض سکتہ در مراجعت از آذربایجان روز هفدهم ربیع الاول.

نصب حضرت والا رکن الدوله به حکمرانی کرمان و بلوچستان و به دفع  
اشرار و اسفندیارخان بلوچ یاغی کوشیدن.

فوت آقای شرفیانی<sup>۲</sup> اعلی الله مقامه در ماه صیام که به تمام ایران و عتبات  
تعزیه گرفتند.

مختصر حریق در منازل انزلی.

شیوع وبایی در گیلان به ماه رجب.

یاغی شدن محمدجعفرخان ولد حاجی رستم خان لاری در قلعه فداغ  
لار بر ضد عموی خود حاجی علیقلی خان که محمدحسن خان و میرزا  
حسنعلی خان پسر عموهای او با دو عراده توپ به دفع مشارالیه رفتند.

آمدن نواب اسعد والا امیرخان سردار سپهسالار

اخبار خراسان

ایران به خراسان و فرود آمدن به منزل جناب

نائب التولیه و سان سپاه را دیدن. در این سفر میمنت اثر جناب نصیر دفتر و  
جناب آجودانباشی نیز همراه بودند و خوانین خراسان که نوکری آنها اسمی  
بود، و رسمی نبود بعضی به زحمتها اسبهای تجار و کسبه را به سان حاضر

(۱) اصل: بقاء السلطنه؛

(۲) (= شرفیانی)

نموده داغدار ساختند و برخی از خود مبلغها متضرر شدند تا اسباب سان سوار آنها فراهم آمد و دخل سپه سالار از وجه نقد و اسب و مثال و فیروزه و قالیچه و اجناس متفرقه یکصد و هشتاد هزار تومان شد.

نصب حضرت والا شاهزاده سلطان عبدالمجید

صدراعظمی عین الدوله

میرزای عین الدوله در قصر صاحبقرانیه و روز

۱۴ جمادی الثانیه - جشن میلاد همایونی به لقب نبیل صدارت عظمی که در خور شأن و مناسب رتبه آن وجود محترم است؛ چون به بزرگی و کفایت و کاردانی معروف و در امور مملکت داری و حفظ حقوق شهریاری ساعی و جاهد است. خداوند پایدار و رعیت پرور و غریب نواز و دشمن گدازش فرماید. شدت سرما در شیراز که اشجار نارنج و غیره را صدمه زیادی رسید.

استقبال حضرت والا شاهنشاهزاده شعاع السلطنه والی مملکت فارس از خلعت همایونی با مراسم شایان.

ورود حضرت مستطاب ثقة الاسلام آقای نجفی از اصفهان به طهران. ورود و اقامت قونسول دولت بهیه روس به بندرعباس که تا آن وقت قونسول نداشتند.

تگرگ سخت در مشهد مقدس که باعث واهمه اهالی شد و بزرگترین آنها شش استار به وزن آمد. نظم:

هزار و سیصد و بیست و دو رفته از هجرت

به بیست و دوم ثور و به بیست و چار صفر

تگرگ ریخت به هنگام عصر چون به و سیب

ز ابر تیره که برپا به طوس شد محشر

دراز و پهن و مدور به شکلهای عجیب

که هرکه دید بر آنها ز خوف کرد نظر

شکست شیشه‌ الوان بس از در و اُرسی  
 به اقتضای صفر کاورد چنین بر سر  
 به یادگار نوشتم که عاقلان دانند  
 کند خدای به آسان دوکون زیر و زبر  
 نمونه‌ای ز قیامت به خلق داد نشان  
 که کس نبود در آن دم به فکر دخت و پسر  
 به این دو روزه دنیا و عمر کوتاه خویش  
 خوش آنکه غره نباشند مردمان یکسر

بروز وبایی در خراسان و شهر مشهد از روز ۲۷  
 ربیع‌الثانی الی ۲۲ جمادی‌الثانیه که شدت آن  
 مرض به اهالی خراسان از دهم جمادی‌الاولی الی بیست و دوم بود. پس از آن به  
 اغلب بلاد عالم سرایت نمود.  
 وفات نواب والا شاهزاده مهدیقلی میرزای سهام‌الملک متولی‌باشی  
 آستان قدس.

فوت میرزای صبوری ملک‌الشعراى خراسان و میرزای گوهری هروی  
 رحمة‌الله علیهما و حاجی میرزا زین‌العابدین طبیب یزدی معروف. نظم،  
 لمؤلفه:

و بایی ندیدم بدان همهمه	که خلقی بمیرند از واهمه
ز پیر و جوان مردمان دلیر	همه برگلو بسته طوقی ز سیر
یکی ساغر باده بشکسته بود	یکی باب میخانه را بسته بود
یکی توبه ز آوازه نی نمود	یکی ترک از خوردن می نمود
یکی با تقدس خدا را شناخت	یکی زهد راعاریت پیشه ساخت
یکی سوخت اسباب عیش و قمار	یکی ماند از ترس مردن خمار



یکی رشتۀ حیلۀ آورد دست	یکی تار و طنبور خود را شکست
یکی سعیها در مبرات کرد	یکی پول تنزیل خیرات کرد
یکی رفت مسجد برای نماز	یکی از خدا خواست عمر دراز
یکی کفش نعلین در پا نمود	یکی بند تحت الحنک را گشود
یکی مبتلا گشت و رفت از جهان	یکی شد به بییلاق از بیم جان
یکی چاره‌ای غیر مردن نداشت	یکی رفت و اولاد خود را گذاشت
گرفتند بر خاک مدفن مقرر (۱)	بسی ماهرویان پُر ناز و قبر
نمودند مأوای خود گور تنگ	گروهی پریچهره و شوخ و شنگ
فتادند در بستر درد و غم	دل از کف ربایان زیصاصم
گرفتند خاک سیه در کنار	ز خوبان مهوش هزاران هزار

زلزلهٔ سخت در ترشیز که باعث خرابی و اتلاف نفوس زیادی شد.  
 فوت شاهزادهٔ والاتبار وجیه‌الله میرزای سپهسالار دولت علیه ایران در  
 عشر دویم ذیقعدة الحرام، مطابق ۱۸ ژانویه.

روز ۲۶ رمضان در قصبهٔ اهرم بعد از امتداد ده  
 ساعت باران رحمت خداوندی در حالتی که  
 عموم سکنهٔ آنجا خُرم و خوشحال به نظارهٔ مزارع و بساتین خود مشغول و  
 مسرورالبال<sup>۱</sup> بودند، ناگاه هول قیامت عظمی پیدا و نمونهٔ طامهٔ کبری هویدا  
 گردید بفتهٔ سیلی بنیان‌کن به طوری خود را سیلان داد که طغیان رود نیل را  
 طفلیک گاهوارهٔ خود شمرده و عصیان دجله و سیلان فرات را کودکی شیرخوار  
 محسوب داشته در آن واحد امید و آرزوی ناس را به یاس مبدل نموده و آن همه  
 رحمت را به زحمت و نعمت نامتناهی را به عذاب و نعمت تغییر داده دیار اهرم

(۱) به قیاس فارغ‌البال ساخته است.

را از شهر سبا آیتی و سیل عرم را از خود روایتی کرده. نه بر کودکان خوردسال رحمی نمود و نه از پیران، کهن سال تظلمی شنود. نوعروسان سرو قد را از حجله شادی ربوده به قعر بحر جای داده و دامادان ماه خد را از تخت ناز کشیده و سرشان را بر سنگ لحد نهاد. هر که و هر چه در محل عبور خود یافته بر او تاخته و تافته، در دیده حیات اهالی گل و لای فنا انباشته و در قرون بیشمار آثار قهر خود را در آن نواحی به یادگار گذاشته، انسان و دواب و اشجار و نقاط عدیده را تلف و نابود ساخت.

۱۳۲۳

سنه ۱۳۲۳ هجری مطابق ۱۹۰۵ مسیحی،

وقایع سال ۱۳۲۳ هجری

حرکت اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طهران به

راه رشت و روسیه رو به جانب فرنگستان در اواخر آپریل و هشتم ژون.

وفات محمدحسین خان سردار مفتخّم بختیاری.

اختراع توپ تازه از حسن اهتمام و کفایت

جناب آقا مشهدی جعفر خیاطباشی در تبریز که

اقتباس آن را از حرکات ماکوی چرخ خیاطی

اختراع توپ توسط

مشهدی جعفر خیاطباشی

نموده پس از زحمات زیاد و مخارج گزاف تکمیل کرده بود، توپی از کار

درآورد که صنعت و هنر خود را به خلق نمودار کرد و کمال فطری و جوهر

جبلّی خود را در انظار جلوه داد. توپ مذکور مسما به «مسلسل» و

سریع الاطلاق است که به هر دقیقه هفتاد تیر پُر و خالی می شود و نشانه را به یک

قاعدہ می زند، اما به قدر قوّه خود فنشگ آن توپ را از کارتوس دوازده نمره

رولور قرار داده بود که پس از تکمیل تعبیه فنشگ بزرگ هم بشود. و همان توپ

را هنگام مراجعت موکب همایون از فرنگستان به لحاظ اقدس پادشاهی

رسانیدند.

شورش خراسان بر ضد ارامنه در ۱۵ محرم که

عموم مسلمانان از واقعه قفقازیه باطناً مدعی آن

طائفه و بهانه جو بودند تا نوکر یکی از تجار تبعه روس مقیم کاروانسرای حاجی محمد ابراهیم گلکار عیدگاهی میان کوچه به زن مسلمه سهواً خوش باش گفته و باب فتنه را مفتوح ساخت. سوای آن هم اهالی محل به واسطه بعضی بناها در روی کوچه و اطراف آن کاروانسرا که به اجازه دو سه نفر اعیان نهاده شده بود مهیای شورش گردیده آن مطلب را بهانه قرار دادند. و در لیلۀ نیمه محرم اقدام به تقاص نموده فردا صبح علم طغیان افراشتند.

جناب حاجی معاون التجار خراسانی به خیال اینکه از انهدام بنای تازه روی گذر دفع شورش خواهد شد امر به خرابی داد. اهالی به آن اکتفا نکرده اول مال التجاره آن کاروانسرا را از قبیل پشم و پوست بز و گوسفند و غیره به تاراج بردند و بسیاری را آتش زدند. بعد کاروانسرا را ویران کردند. از آنجا متوجه دکاکین و مغازه و منازل ارامنه شدند. از ارامنه آنهایی که در سرای سلطانی و سرای امام جمعه اقامت و تجارت داشتند محفوظ ماندند و سایرین که در روی بازار و منازل نواب والا منتصرالملک سکنی [گرفتند] و اشیاء داشتند، اموال و ائقال همه آنها با اسلحه و قورخانه که محرمانه دارا بودند به یغما رفت و خود ارامنه از اناث و ذکور به قونسولگری روس ملتجی شدند.

از طرف ایالت به تصویب جناب ناظم الملک کارگزار خراسان، میرزا محمدباقرخان یاور فوج چهارم تبریزی که کافی و کاردان بود با استعداد حربی و سرباز زیاد مأمور محافظت و حراست قونسولگری دولت بهیه گردید و فته خوابید. پس از اینکه امر دولت علیه به استرداد اموال ارامنه صادر شد شبها اهالی پوست و پشم و مال آنها را که برده بودند میان کوچه ها می ریختند و کدخدایان هر محل جمع آوری نموده به اداره نظمیّه می سپردند و در آخر

توسط کارگزاری تسلیم قونسولگری شد.

ایجاد چراغ الکتریکی در بسیاری منازل رشت و  
دیگر وقایع این سال  
انقلاب هوا و شدت برودت در آن محل به ماه  
محرم.

حرکت اردویی تحت حکم شاهزاده ظهیرالسلطان و نیز اردویی به  
ریاست اعتلاءالدوله به طرف چاه بهار بلوچستان و گفتگو با رؤسای کمسیون  
انگلیس.

آمدن نشان مخصوص از طرف اعلیحضرت امپراتور روس به شاهزاده  
والا عضدالسلطان فرمانفرمای رشت، و مسافرت شاهزاده معظم‌الیه به انزلی  
محض سرکشی و تدارکات به ورود موبک همایونی.

وفات حضرت حجّت الاسلام شیخ‌العلماء آقای شیخ محمدحسن  
مامقانی اعلی الله مقامه در یوم شنبه هیجدهم محرم الحرم ۱۳۲۳ به نجف اشرف  
و تعزیه داری به آن مرحوم در عتبات عالیات و ممالک عثمانی و کشور ایران به  
منتها درجه.

آمدن مهندسین هولاندی جهت بازدید سدّ اهواز به محرمه.

ورود موبک همایون پادشاهی هنگام مسافرت  
سفر فرنگ شاه  
فرنگستان در انزلی و استدعای اهالی انجام

بعضی مطالب سرحدی و بحری را توسط عرایض که امر همایونی به اصلاح هر  
یک از آنها و تعمیر گلوگاه دریا صادر شد. و کشتی مخصوص شهریار با کشتی  
سالیان مال جناب حاجی زین‌العابدین تقی‌اف به مرداب انزلی تصادم کرد و  
صدمه زیادی دید؛ اما چون کشتی مقصر مال حاجی معزی‌الیه بود، معفو شد.

ورود جناب مستطاب ملاذ الانام حاجی میرزا زین‌العابدین معروف به

رئیس‌الطلاب در مراجعت [از] عتبات به ارض اقدس و خوشنودی اهالی که مطمئن به فتاوی حقه معظم‌الیه بوده و هستند.

اقدامات نواب اسعد و الاتبار شاهنشاهزاده شعاع‌السلطنه در تنزل قیمت نان به شهر شیراز که نظم دکانین را از رؤسای محل خواست، در ماه صفر. آمدن مهندس انگلیس و گردش و عکس برداشتن در شهر شوشتر که اهالی جهت آمدن و نصب بیارق علامت او را نداسته به هیجان آمده قصد بلوا کردند. تا اولیای دولت به دفع فتنه کوشیدند.

رفتن اعتلاءالدوله کارگزار عربستان از بندر چاه‌بهار بلوچستان توسط کشتی مظفری به مسقط و پذیرایی کامل و شلیک امام مسقط در ورود معزی‌الیه با تشریفات شایان روز ۱۴ صفر ۱۳۴۳.

رفتن اردوی دولت علیه ایران تحت ریاست سالار معظم به عربستان و محمره.

در بندرعباس به یوم ۱۹ صفر زلزله غریبی روی  
زلزله بندرعباس  
داد، که در ظرف چهل دقیقه پنج دفعه حرکت زمین به طور سخت بود و بسیاری اماکن و مناره‌ها منهدم گردید؛ عجب تر اینکه کوه «گنو» واقعه در عقب بندرعباس دو صد زرع به زمین فرو رفت و پنجاه نفر از صدمه او تلف شدند. در ۲۱ و ۲۳ نیز زلزله‌های پیاپی در آن نقطه رخ نمود. و خرابی زیاد بود. اهالی در مکانهای خشبی جا گرفتند.

مراجعت کرنیل ماکماهون با کمیسیون انگلیس از بلوچستان.  
پریشان حالی اغلب ایل سرحدی قوچان و فرار شدن آنها به طرف آخال.  
فوت صدیق‌الدوله در نجف اشرف به ماه ربیع‌الاول.

## مختصر شرحی از خطرات و صدمات مؤلف در اواخر این سال

چون حقیر دوستی و آشنایی چندین ساله با جناب ناظم‌الملک دارم و معزّی‌الیه در این ایام منصوب به کارگزاری تمام خراسان و سیستان بود محض رفع اتهام و پیشرفت مقاصدی که در خدمات دولت منظور داشت دوستانه مؤلف را به معاونت خود گماشت. با بصیرتی که دارا بودم اغلب امور دشوار را تصفیه نمودم؛ به طوری که خلاف و خیانتی در خدمات دولت و ملت اسلام نباشد.

چند نفر مغرضین خراسان از قبیل اخوان صرّافان و شرکاء ایشان که خود را مالک رقاب بلد می‌دانند و کمیت ظلم و تعدّی می‌دوانند چون با مؤلف عداوت سابقه داشتند بنای رقابت را گذاشتند و ایالت خراسان را به اشتباهکاری مُدعی مؤلف نمودند.

مقارن این حال فرمان همایونی رسید که یهودیان مقیم مشهد در تبعیت کارگزاری باشند. این مطلب هم چون منافی با منافع والی بود و ریاست و مداخل خود صرّافان هم خیلی کاسته می‌شد چنان به خرج دادند که راپورت یهودی بودن و درخواست مجزائی آن طائفه را مؤلف به آستان همایونی نموده؛

لهذا ایالت کُبری با کمال سختی و تعدی در صدد اُتْهام و خرابی مؤلف برآمد. نخست آنچه املاک و طاحونه که در نواحی براشک و اطراف نِهتهو و جانب تربت حیدریه داشتم تماماً را بدون سند و جهت به غیر واگذار فرمود و احکام عدوانه بر ضد مؤلف داد که حاصل زیادی از میان رفت. پس از آن با هر که طرف محاسبه و معامله بودم دلیرانه حقوق مرا نگه می داشتند و جوابی نمی دادند. به ایالت تشکی می نمودم، یا حکم دولت صادر می شد، آن وقت هم به طفره و اهمال و غرض می گذشت و احکام دولتی را هم جوابی جز تعدی نبود. تا رفته رفته به اندک زمانی بیشتر دارایی مؤلف از میان رفت.

هم در این روزها مجلس بحثی در بیان حال یهودیان مقیم مشهد اتفاق افتاد. مؤلف و جمعی رفقا که بوی مسلمانی و آثار اسلام در طائفه آنها ندیده بودیم و یقین در مسلمان شدن یکنفر از آنها نداشتیم گفتیم خوب است علمای ملت یا رجال دولت طائفه مذکور را مانع از ورود صحنین و آستانه رضوی و مساجد اسلامیان باشند، و آنها را مثل سایر موسائیان تبعه دول اسلام کافر دانسته اما حامی و مرئی باشند و همه را در پناه خود دارند که از غیری بر آنها تعدی نشود. یا اگر دعوی اسلام می کنند، وصلت با مسلمانان نمایند و ذبح دست مسلمین را با قطعه ای از گوشت شتر بخورند که یقین بر مسلمانی آنها بشود؛ و الا به حَمّام و مساجد و معابد اسلام داخل نشوند.

همان روز این خبر به خراسان انتشار یافت و یهودیهای محیل مضطرب حال نزد مؤلف آمده رشوت تعهد نمودند. اما مؤلف خلاف غیرت مسلمانی دانسته مثل بعضی فریفته نشدم و گفتم اقتضای تدین اسلامیان در مجلس مباحثه راست گفتن است. شما هم مثل شتر مرغ مجهول الحال نباشید. بهتر است و الا کسی به شما کار ندارد. چون یهودیها با حاجی عبدالرحیم صرّاف رئیس خود میوس از فریب خوردن مؤلف شدند رفتند و چهارده نفر آنها مبلغی

گزارش انداز کرده توسط آن حاج نامسلمان تقدیم حضور ایالت داشتند [و] استدعای گرفتن و نفی بلد کردن مؤلف را کردند.

حقیر در آن ایام از همه جا بی خبر به خانه خود نشسته مشغول تألیف و تحریر کتاب بودم. روز سوم ذیحجه طرف عصری ناگهان یکی از آشنایان تریاکی نامرد صفت معروف به بیک میرزای یاور فوج مخصوص از ندمای مؤلف که با دسته سربازان ابوالجمعی خود مستحفظ ارگ مشهد بود متوحشانه به منزل خارجی مؤلف ورود نموده عنوانش استفسار همراهی و امداد و نگهداری خود را از جانب مؤلف بود.

من بیچاره دهاتی هراتی به رویه غیرت و مردانگی مہیای نگهداری و حمایت او شده دستورالعمل به پذیرایی دادم و با نوشتجات حاضر از حیات اندرون بیرون آمدم. دیدم همراهان یاور زیاداند. گفتم می‌کن به حراستش آمده باشند. حال اگر چیزی بگویم می‌گویند از مصارف و مخارج خود ملاحظه دارد. بدین خیال غفلت کردم. وقتی در وسط آنها رسیدم رفیق نامرد مدلس گفت پیغامی محرمانه از ایالت به شما دارم. گفتم بگو. سر به گوشم نهاد و نجوایی کرد که نفهمیدم چه گفت.

در این بین همراهان او از اطراف یک دفعه ریختند و به مؤلف آویختند و متعاقب قریب دویست نفر جمعیت دیگری که میان راه و کوچه حاضر کرده بودند، همه آمده مرا مثل منصور حلاج که کشان‌کشان جانب دار بردند. با سرعت هرچه تمامتر می‌بردند. در صورتی که هر کدام وصله‌ای از دست و جیب و بغلم می‌ربودند. به آن حالت تا خانه مظفر نظام و از آن جا به میدان ارگ رفتیم. دیدم سوار و سرباز جهت تبعید مؤلف حاضر کرده‌اند بدون اینکه فرصت بدهند. در آن شب سرد و هوای زمستان و یخ و برف فراوان از دروازه ارگ مؤلف را خارج ساخته، رو به جانب تربت حیدریه و عزم سیستان بردند. آن شب چقدر قلقل گرفتند؟ و چه تعدیها از مأمورین نامسلمان بیگلربیگی



و ایالت دیدم شرحش بسیار است. علاوه بر اینکه مرا مقصّر خطاب می کردند و به انواع وسایل پول می خواستند، زائرین و عابرین طریق را همان مأمورین عریان می نمودند و دارایی آنها را می ربودند.

القصّه فردا صبح دیدم درشکه با رئیس قرانسورانها از عقب می آید و آواز می دهد که مژده دارم. من هم گمان کردم رجال دولت علیه بیدار کار بوده تلگرافی فوراً به رهایی مؤلف نموده اند. اما وقتی نزدیک آمد گفتم من مأمورم شما را به شهر برگردانم مشروط بر اینکه شما فلان مبلغ را به ایالت تقدیم نمایید و فلان سندی که در دست دارید به ما بسپارید و مصالحه نامه از تمام حقوقات خود بر ذمه<sup>۱</sup> هرکس داشته باشید بدهید.

دیدم این شرایط تکالیف شاقّه است. بعضی را قبول نکرده با چند نفر مأمورین مقارن غروب روانه راه شدیم و سایر مأمورها هرکدام حقی گرفته به شهر مراجعت کردند و ما رفتیم. در آن شب تاریک باد و طوفان [بود] و برف فراوان بارید. تا به قریه کل بقرا ورود نمودیم. نواب شجاع السلطان با سیّد افندی طاوسی متعاقب آمدند و مرا دیدند که به آن ترتیب گرفتارم و اسبابی همراه ندارم. باوجود آشنایی و رابطه هیچ یک به قلیان و سیگاری هم اظهار حیات نکردند. لذا این مطلب بر من خیلی ناگوار شد.

روز دیگر تدبیری کرده از چنگ مأمورین خود را نجات داده در بازه<sup>۲</sup> عور<sup>۱</sup> به تلگرافخانه دولت وارد [شدم] و قصد تحصّن نمودم. چون تلگرافچی پسر وکیل التجار نیشابوری نامرد بود که سالها نزد مؤلف آمد و شد داشت و مؤلف او را خیرخواه و نمکشناس خود می دانست. القصّه راپورت حالات خود را توسط جناب صدیق الحرم به خاکپای همایونی و اغلب اولیای دولت و علماء اعلم ملّت اطلاع دادم فوراً به وساطت و همراهی اقدام فرمودند و اسباب رهایی و آسایش مؤلف فراهم آمد و مجدداً پس از چند روزی به ارض اقدس

(۱) اصل: ذمه (۲) معمولاً بازه هور تلفظ می شود.

مراجعت کردم.

اما صدمه این سفر به مؤلف بیحساب بود. من جمله در ظرف دو هفته اقامت [در] آن تلگرافخانه که مأمورش سالهای دراز پول را به چشم خود ندیده بود و لفظ مداخل نشنیده بود تلافی مافات از بنده مؤلف نمود. به این معنی که قیمت هر عدد پیازی را سه قران و از تخم مرغ دانه‌ای هفت قران وجه نقد گرفت. لهذا علاوه بر آنچه یادبود احباب و وصول حبوبات در آن محل به مؤلف شد قریب دویست تومان نقد وجه انعام به او دادم. سوای دو سه ثوب خلعت و مخارج مأمورین و مخارج متفرقه شهر و عرض راه و مواعید و تعارف فوق‌العاده به گوشه و کنار که گلا چهار هزار تومان نقد مایه گذاشتم و بیست هزار تومان از کار خود عقب افتادم و ضررهای دیگر نیز دیدم. اما غرامت تمام اینها را در یوم‌المیعاد که روز پنجاه هزار سال است از مدعیان احمق و حکام ظالم ناحق خواهانم. چون عوض همراهی و محبت این همه صدمه و اذیت به مؤلف روادار شدند. فقل الحمد لله الذی نجینا من القوم الظالمین.

نصب مجدد حضرت مستطاب اشرف‌والا نائب -  
السلطنه امیرکبیر، پس از ده سال خانه‌نشینی به  
وزارت جنگ و به نظم سپاه پرداختن.

۱۳۲۴

مختصری از وقایع سنه  
۱۳۲۴ هجری

شورش در خراسان از اهالی بر ضد ملاکین ظالم که نان را ترقی می‌دادند و زد و خورد در اطراف آستانه با تیر و تفنگ و حمایت نمودن ایالت کبرا از حاجی معاون‌التجار که شورشیان قصد خانه او را داشتند و نیز امداد افغانه و تجار هرات به حاج مذکور در جلوگیری بلوئیان و قتل چند نفری. ورود جناب مشیرالسلطنه دام عمره و جناب موثق‌الملک از طهران به خراسان، محض زیارت.

(۱) اصل: ارض راه

آوازه طاعون به سیستان و مأموریت صد سوار قزاق از طهران به  
حفظ الصحه.

سیل فراوان در نواحی خراسان که در قریه فریمان بیست و دو نفر آدم  
تلف کرد. خداوند عاقبت امور عموم اسلامیان را به خیر مبدل فرماید. □

www.KetabFarsi.com

# فهرست اعلام

## الف) اعلام تاریخی

- | ۳۰                                    | آ                                      |
|---------------------------------------|--|
| ابوالحسن خان: ۸۵                      | آجودان باشی: ۱۵۷                       |
| ابوالحسن خان / دیگری: ۱۴۱             | آصف الدوله شاهسون، غلامرضاخان          |
| ابوالقاسم دکتر (میرزا): ۱۴۰           | (حاجی): ۱۳۸، ۱۲۳، ۱۱۰                  |
| ابوالقاسم خان: ۹۶                     | آصف الدوله شیرازی، عبدالوهاب خان       |
| ابوالقاسم طبیب نظام: ۱۲۰              | (میرزا): ۹۶                            |
| ابوتراب امام جمعه (شیخ): ۱۶           | آصف الدوله قاجار، اللهیارخان: ۵، ۱۳    |
| آثورووزف ایلچی: ۱۲۴                   | ۲۶، ۲۵، ۱۹                             |
| اتابک ← علی اصغرخان                   | آقابزرگ تهرانی مجتهد (حاجی سلا):       |
| احتشام الوزاره، علی اشرف خان (میرزا): | ۱۵۱                                    |
| ۱۳۴، ۱۲۸                              | آقاجان کور: ۱۵۴، ۱۴۷                   |
| احمد احسانی (شیخ): ۱۴                 | آقاخان محلاتی: ۱۴۲، ۸۳                 |
| احمدخان جمشیدی (میرزا): ۶۷            | آقاخان نوری = اعتمادالدوله (میرزا): ۵۲ |
| احمد رضوی (آقا میرزا): ۱۱۰            | آلفونس: ۱۵۱                            |
| احمد میرزا صفوی: ۴۸                   | آقانجفی: ۱۵۸                           |
| احمد علی میرزا (شاهزاده): ۱۸          |  |
| ادنه نفس: ۸۶                          | الف                                    |
| ارازخان = اراضی خان: ۲۹               | ابراهیم خان (میرزا): ۶۳                |
| اردشیر درازدست: ۵۴                    | ابراهیم خان بادکوبه‌ای: ۴۵             |
| ارفع الدوله (معین الوزاره) رضاخان     | ابراهیم خان بلوچ ناروئی: ۶۶            |
| (میرزا): ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۴۷، ۱۵۱           | ابراهیم خلیل خان سرتیپ: ۲۶، ۲۷، ۲۸     |

امامعلی خان / سرکرده فوج کرمانی: ۵۱،

۷۲

اماموردی خان بیات: ۴۰

امیراصلان خان / پسر سالار: ۲۸، ۲۹،

۴۷، ۴۹

امیر تیمور گورکائی: ۹۵

امیرخان سردار: ۱۵۷

امیر دیوان، نبی خان (میرزا): ۱۸

امیر عبدالله بن زبیر: ۹۵

امیر علم خان قاینی: ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱،

۶۲، ۶۳، ۶۶

امیر قاسم میرزا امیرکبیر = تقی خان: ۷۳

امیر محمدخان: ۱۳۰

امیر محمد قاسم خان: ۳۵

امیر نظام گروسی، حسنعلی خان: ۴۵، ۵۱،

۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۰۸، ۱۳۲

امین الدوله، علی خان (میرزا): ۱۲۲،

۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۱

امین الدوله، فرخ خان: ۸۱

امین الدوله ← یار محمدخان وزیر

امین السلطنه (حاجی): ۱۴۰

امین حضور: ۱۴۶

امین نظام، محمد صادق خان: ۱۰۸، ۱۰۹،

انور افندی: ۱۸

انولویش، فوکارو: ۸۹

ب

بحری پاشا: ۲۰، ۲۱

بقاء السلطنه: ۱۵۷

بکنج / سردار ترکمان: ۸۸

۱۵۷

اریستوف (ژنرال): ۳

اسدالله خان میر آخور: ۵۶

اسدالله خان (ایمر): ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱

اسعد پاشا: ۲۰، ۲۱

اسفندیار خان بلوچ: ۱۵۷

اسکندر خان قاجار: ۴۷

اسماعیل (آقا شیخ): ۱۲۲

اسماعیل (حاجی): ۱۲۲

اسماعیل تاجر (میر): ۱۱۱

اسماعیل ترشیزی (شیخ): ۱۲۶

اسماعیل خان: ۶۱

اسماعیل خان (حاجی): ۲۶

اسماعیل خان عرب خزاعی (امیر): ۶۳

اصغر لوطی: ۱۲۵

اعتضادالدوله، انوشیروان خان: ۸۱

اعتلاءالدوله: ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴

اعتمادالتولیه، شفیع خان (میرزا): ۱۰۷

اعتمادالسلطنه: ۹۰

اعتمادالوزاره، علی اشرف خان (میرزا):

۱۳۴ (احتمالاً همان میرزا علی اشرف

خان احتشامالوزاره)

افراسیاب خان نردینی: ۶۶

افندی طاوسی (سید): ۱۶۸

اکرم مستوفی (ملا): ۶۷

اللهمتلی خان توره / اوزبک: ۲، ۳، ۱۳،

۲۵

اللهمیارخان: ۸۴

اللهمیارخان / سرکرده جامی: ۱۳۰

امام سقط: ۶۸

ج

- جعفر: ۱۲۲  
 جعفر خیاط‌باشی (مشهدی): ۱۶۱  
 جعفر دارابی کشفی (سید): ۴۱، ۱۶  
 جعفر آقای کلانی: ۶۹، ۶۸  
 جعفرخان (میرزا): ۱۱۱  
 جعفر قلی خان ایلخانی: ۱۹، ۲۹، ۳۰  
 ۳۲، ۳۹ (شاید نفر بعدی)  
 جعفر قلی خان شادلو: ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۲۷  
 ۸۲، ۲۸  
 جلال الدوله / حاکم اصفهانی و خراسان:  
 ۸۳، ۸۲، ۷۹  
 جلال الدوله هندی، مهدیقلی خان: ۵  
 جلال السلطان: ۱۳۷  
 جمال التولیه، عباس (آقا سید): ۱۲۷  
 جهانگیرخان / فرزند ناظم الملک (میرزا):

۱۰۶

جهانگیرخان گرجی: ۲۶

چ

- چارتورسکی (پرنس): ۱۳۲  
 چراغعلی خان / نایب‌الحکومه دزفول:  
 ۱۳۳  
 چراغعلی خان زنگنه: ۴۴، ۴۸

ح

- حاجب الدوله: ۵۶، ۶۹  
 حسام السلطنه، مراد میرزا (سلطان): ۳۹  
 ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰  
 ۵۲، ۶۴، ۶۷، ۷۰، ۷۳، ۷۸، ۸۵

بندراف (کاپیتان): ۱۲۰

بنادخان هزاره: ۱، ۲، ۴

بوتسوف (مسیو): ۱۲۰

بهادرخان: ۶۷

بهبودخان: ۵۸، ۶۱

بهرامخان: ۴

بهمن میرزا: ۱۹

بیگ میرزا / باور فوج: ۱۶۷

پ

پارن (جنرال): ۱۴۳

پاسکویچ (ژنرال): ۳

پاشاخان: ۷۶، ۷۷

پاشاخان سرتیپ: ۶۰

پانافدین (جنرال): ۱۲۷، ۱۴۸

ت

تامیس = تاسین / تائب قونسول انگلیس:

۱۲۰

ترنج (جنرال) ۱۳۹، ۱۴۸

تقی اف، زین العابدین (حاجی) ۱۴۳

۱۶۳

تقی حکیم‌باشی (میرزا) ۸۷

تقی خان (میرزا): ۶۲

تقی خان (میرزا) = امیرکبیر: ۱۸، ۲۰

۲۱، ۲۲، ۳۶، ۵۲، ۸۲

تمبل / قونسول انگلیس: ۱۴۰

توکل خان: ۴۷

تیر / قونسول انگلیس: ۱۲۶

حمزه میرزا ← حشمت الدوله

۱۰۷، ۹۶

حسن آشتیانی مجتهد (حاجی میرزا): ۱۳۵

حسن شیرازی مجتهد (حاجی میرزا):

۱۰۹، ۱۰۴

خ

خان ارگنج: ۶۷

خانباخان: ۸۳

خبیرالدوله: ۱۴۸

خسرو پرویز: ۵۳

خسروخان: ۱۳۰

خضر آقا: ۹۱

حسن ممامانی مجتهد (حاجی میرزا): ۱۵۶

حسن خان جلیلونند: ۶۶

حسن خان سبزواری: ۶۷

حسنعلی خان (میرزا): ۱۵۷

حسنعلی خان سرتیب ← امیر نظام گروسی

حسنعلی خان قرائی: ۱

حسنعلی میرزا (شاهزاده) ۱۰ (شجاع-

السلطنه بعدی)

حسن (آقا): ۵۸، ۵۹

حسین (ملا): ۱۴۵

حسین ایشان = وردی بای ایشان (میرزا):

۱۳۵

حسین بشرویه (ملا): ۴۱، ۴۲

حسین خان امیر تومان: ۱۴۵

حسینعلی خان ایلخانی: ۹۴

حشمت الدوله، حمزه میرزا: ۲۷، ۲۸،

۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۳۹،

۴۰، ۴۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸،

۸۳، ۸۹، ۹۰

د

دالمین (گراندوک): ۱۴۲

درویش خان بلوچ (سردار): ۱۳۰

درویشعلی خان (میر): ۱۴۱

دمنتویچ (کلنل): ۸۸

دوست محمدخان بلوچ: ۶۶

دوکار دو، آنا تولیوس: ۱۳

ذ

ذوالفقارخان: ۲

ذوالفقارخان جمشیدی: ۱۳۷

ر

رامی / شاعر: ۱۱۳، ۱۱۵

رجب بهادر: ۳۱

رحمن قلی خان توره: ۳، ۲۵

رستم خان لاری (حاجی): ۱۵۷

رضا (حاجی): ۱۰۷

رضا (میرزا): ۲۵

رضا بهزار (میرزا): ۱۴

حشمت الملک = امیر علم خان: ۶۳، ۸۰،

۸۳، ۱۰۴

حشمت الملک، علی اکبرخان (امیر): ۶۲،

۱۳۴

حلمی پاشا / خدیو مصر: ۱۵۲

حمزه آقای منگور: ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲،

۹۳

- رضا کرمانی (میرزا): ۱۱۱  
 رضاقلی بیگ پیشخدمت: ۵۹  
 رضاقلی خان زعفرانلو: ۵، ۹، ۲۸، ۷۱  
 رضایوف، محمدباقر آقا (حاجی): ۱۵۰  
 رفیع خان قاینی فورکی (میرزا): ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲  
 رکن الدوله، محمدتقی میرزا: ۸۶، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۳، ۱۲۳، ۱۲۵  
 ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۱  
 ۱۵۷، ۱۵۴  
 رئیس الطلاب ← میرزا زین العابدین
- ز  
 زعفران خان افغان: ۵۸، ۱۰۶  
 زین العابدین / امام جمعه تهران (حاجی میرزا): ۱۵۲  
 زین العابدین رئیس الطلاب (میرزا): ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۶۳  
 زین العابدین طبیب بزدی (حاجی میرزا): ۱۵۹
- س  
 ساعدالدوله: ۱۳۴  
 ساعدالسلطنه: ۱۱۹  
 ساک / انگلیسی: ۱۳۶  
 سالار، حسن خان: ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹  
 سالارالملک: ۱۲۶  
 سالار معظم: ۱۶۴
- سام خان زعفرانلو ایلخانی: ۳۰، ۷۳  
 سایکس، پرسی: ۱۳۶  
 سپهدار = غلامحسین  
 سپهسالار، حسین خان (حاجی میرزا): ۹۱، ۹۳  
 سپهسالار، محمدخان (میرزا): ۸۱، ۸۲  
 سپهسالار، وجیه‌الله میرزا: ۱۶۰  
 ستار شکی: ۱۴۴  
 سخن ترکمن: (ملا) ۷۶  
 سردار مفخم بختیاری، محمد حسین خان: ۱۴۷، ۱۶۱  
 سعادتقلی خان: ۵  
 سعدالله افندی = سید محمد انوری: ۲۲  
 سعدالله فندرسکی (میر): ۳۰  
 سعیدالعلمای مازندرانی: ۴۲  
 سعیدخان، میرزا ← مؤتمن‌الملک  
 سعیدخان بلوچ نارویی (سردار): ۸۰  
 سعدی محمدخان (سردار) ظهیرالدوله: ۶۲، ۶۶، ۶۷  
 سلطان محمدشاه: ۱۴۲  
 سلیمان خان / پسر بهام‌الدوله: ۱۲۳  
 سلیمان خان: ۲۶  
 سلیمان خان (حاجی): ۵۶  
 سلیمان خان افشار: ۳۶، ۳۹، ۴۲  
 سلیمان خان تبریزی: ۵۵  
 سلیمان خان دره‌جزی: ۲۷، ۴۴  
 سلیمان خان قاجار قوانلو: ۳۵  
 سواد آقا: ۹۱  
 سهام‌الدوله، حیدرقلی خان: ۸۲، ۸۵، ۱۳۰



سهام الدوله ← يار محمد خان

سهام الملك، مهديقلي ميرزا (حاجي):

۱۵۹، ۱۱۴

سيف الدوله (حاجي) ۱۵۴

سيف الملك (اميرخان سردار) وجيه الله

ميرزا: ۳۶، ۹۸، ۱۰۳

سيف نظام = حسين خان سرتيب: ۹۰

ش

شاه پسند خان: ۶۸

شاه رخ خان قاجار کرمانی: ۲۷

شاه سليمان: ۹۵

شاه صفی: ۹۵

شاه گل سیلی: ۱۳۰

شاه محمود: ۲

شجاع التویه، حسين (ميرزا): ۱۳۶

شجاع الدوله، محمد ناصر خان: ۱۳۰،

۱۴۷، ۱۵۰

شجاع السلطان: ۱۶۸

شجاع السلطنه، حسنعلی میرزا (نواب): ۲

شجاع الملك: ۱۴۸

شجاع الملك: ۱۴۹

شربانی: ۱۵۷

شريف خان (سردار): ۸۰، ۸۳

شعاع السلطنه، ملك منصور ميرزا: ۱۲۸،

۱۴۴، ۱۵۸، ۱۶۴

شليم (دکتر): ۵۲

شمس الدين پاشا: ۱۲۴

شوکت الدوله: ۱۳۶

شوکت الملك، محمد اسماعيل خان (امير):

۶۳

شيرخان سنجابی (۱۴۵)

ص

صاحب اختيار، حسين خان: ۱۵، ۱۶، ۱۷

صاحب ديوان، فتحعلی خان (ميرزا):

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۹

صادق الملك، علی اکبر خان، ۱۳۱

صدر (حجة الاسلام): ۱۱۹

صديق (شيخ): ۹۰

صديق الحرم: ۱۶۸

صديق الدوله: ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۶۴

صديق الملك: ۱۱۱، ۱۳۱

صفر سلطان: ۷۱

صمصام خان سرتيب: ۴۵

صنيع الدوله، محمد حسن (اعتماد السلطنه):

۶۴

صيد ثوينی: ۶۸

ط

طاهر ذواليمينين: ۶۳

ظ

ظفر الدوله شاهسون: ۱۳۰

ظل السلطان: ۳۶، ۷۸، ۸۴، ۸۷، ۹۵،

۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۹

ظهیر السلطان: ۱۶۳

ع

عارف پاشا: ۲۱

عاشور لنگ: ۸۶

عباس میرزا ولیعهد: ۳، ۵، ۷

عباسقلی خان بادکوبه‌ای: ۴۵

عبدالباقی (میرزا): ۵۰

عبدالحسین مستوفی (میرزا): ۴۸

عبدالحسین خان سرتیپ قرائی: ۷۸، ۸۰

۸۸

عبدالحمید خان (سلطان): ۲۲، ۸۷

عبدالخالق مستوفی (میرزا): ۱۳۰

عبدالرحمن (خلیفه): ۶۴

عبدالرحمن (شیخ): ۶۸

عبدالرحمن خان (سردار): ۸۳، ۸۴، ۹۷

۱۰۸

عبدالرحمن دیلمچی: ۱۴۶

عبدالرحمن کبیر (حاجی): ۱۵۴

عبدالرحیم خراسانی (شیخ): ۱۰۷

عبدالرحیم صراف (حاجی): ۱۶۶

عبدالرشیدخان افغان: ۱

عبدالعلی خان توپچی: ۷۶، ۷۷

عبدالعلی خان مراغه: ۴۵

عبدالمجید خادم‌باشی (حاجی میرزا):

۱۳۰

عبدالله: ۱۴۷

عبدالله بن زبیر: ۹۵

عبدالله پیشنماز (آقا سید): ۱۵۰

عبدالله خان افشار صاین قلعه: ۳۰

عبدالله خان میرپنجه: ۶۵

عبدالله خوئی متولی باشی (حاجی میرزا):

۳۱، ۳۲

عبیدالله کرد (شیخ): ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲

۹۴

عزیزخان آجودان باشی: ۵۶

عزیزخان سردار کل: ۷۸

عزیزالله خان سرتیپ: ۹۱

عضدالسلطان: ۱۶۳

عضدالملک، علیرضاخان، ۷۴، ۸۱

عضدالملک متولی باشی: ۸۰

عطاخان: ۶۱

علاءالدوله: ۹۴، ۱۲۲، ۱۴۰

علی / ملازم: ۴۸

علی (آقا شیخ): ۱۵۵

علی (کربلائی): ۱۲۵

علی ترشیزی (ملا شیخ): ۵۶

علی خان: ۱۴۱

علی خان / حکمران مراغه: ۹۰

علی خان (شاهزاده) = عادلشاه: ۱۰

علی خان بلوچ (سردار): ۶۳، ۶۶، ۶۸

علی خان قراقرلو: ۴۵

علی نازک: ۴۶

علی اصغر خان صدر اعظم = اتابک (میرزا)

۱۱۸، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۳

علی اکبر امین معادن (حاجی): ۷۹

علی اکبر تربتی (شیخ): ۱۲۰

علی اکبر یزدی (شیخ): ۱۲۰

علیرضا مستوفی خراسانی: ۷۷

علی عظیم ترشیزی (ملا شیخ): ۵۵

علیقلی خان (حاجی): ۱۵۷

علیقلی خان سرهنگ: ۶۰

علی محمد شیرازی (سیدباب): ۱۴، ۱۵

۱۶، ۱۷، ۴۱، ۴۳، ۵۵

قوام الدوله، محمد (میرزا): ۷۶، ۷۵، ۷۴،

۱۳۹

قوجه / سردار ترکمان: ۸۵

قوشیدخان: ۷۳

قهرمان خان نایب الحکومه: ۹۸

### ک

کاستین (مسیون): ۱۲۳، ۱۳۷، ۱۴۱

کاظم رشتی (حاج سید): ۱۴، ۱۵

کامران مسمند: ۱۰۷

کامران میرزا نایب السلطنه: ۶، ۱۱، ۷۸،

۱۱۰

کحالی شاعر: ۱۱۴

کریمیادخان بیگلریگی: ۶۴

کشیکچی باشی: ۵۶

کلبعلی بیگ: ۶۰

کمال خان بلوچ: (میر): ۶۸

کوبورغ (پرنس): ۱۳۲

کوثر، عبدالکریم (میرزا): ۱۱۳

کوئی جیدو، یوکوما: ۸۹

کها / وزیر عثمانی: ۲۱

کنیاز (مسیو): ۱۴۸

### گ

گاستیگر (مسیو): ۷۹، ۸۴

گریبایدوف: ۴

گلیوم = ویلهلم: ۱۴۱

گوهری شاعر: ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۵۹

عمر (شیخ): ۱۲۶

عمل بهادر: ۹۵

عین الدوله، سلطان عبدالمجید میرزا:

۱۳۳، ۱۵۸

عین الملک = رکن الدوله، علینقلی میرزا:

۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۶

### غ

غلام حسنعلی: ۱۵۰

غلامحسین خان سپهدار: ۴۸

غلام حیدرخان افغان (سردار): ۱۲۹

غلامعلی گنابادی: ۱۴۷

غلامعلی خان (سردار): ۱۲۹

### ف

فتاح موصلی (حاجی): ۱۴۴

فتح خان افغان (حاجی): ۶۱

فتح الله درویش: ۱۴۵

فتحعلی خان گیلانی: ۴۲

فتحعلی شاه: ۱، ۲، ۵، ۷، ۹، ۱۹، ۳۵

فرمانفرما: ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۹۱، ۹۷

فیروزالدین میرزا افغان (شاهزاده): ۱، ۵

### ق

قادر (شیخ): ۹۰

قائم مقام: ۷

قراوغلان آنه بیگی: ۲۸

قلیچ آسیابان: ۱۴۱

قلیچ نردینی: ۱۴۱

قلیچ خان ترکمان: ۹۴

## ل

لسان الملک سپهر، محمد تقی (میرزا): ۷۲  
لطفعلی خان بغایری: ۲۹

## م

ماک ماهون، کرنیل: ۱۶۴  
مأمون الرشید: ۶۳  
مجدالدوله: ۱۴۵  
محشم السلطنه، حسن اسفندیاری (حاجی):

۱۱۱

محشم نظام: ۱۳۴

محسن: ۱۴۴

محمد امام جمعه (سید): ۴۸

محمد بابی (حاجی): ۱۲۶

محمدخان (میرزا) پسر آصف الدوله: ۲۵،

۲۶

محمدخان بغایری: ۲۷

محمدخان بیگلریگی (میرزا): ۴۲، ۳۰،

محمدخان قرائی (سردار): ۱، ۴، ۵، ۶،

۱۳۴، ۹۶

محمدشاه، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۱، ۲۵،

۲۹، ۳۳، ۷۰

محمدشاه خان سبی: ۷۲

محمد گنابادی: ۱۴۷

محمد هراتی (آقا سید): ۱۰۷

محمد میرزای قاجار: ۷، ۹

محمد ابراهیم سبزواری مجتهد شریعتمدار

(حاجی میرزا): ۱۰۸، ۱۲۵

محمد ابراهیم گلکار (حاجی): ۱۶۲

محمد ابراهیم خان میرنجه: ۶۳

محمد اسحق خان قرائی (سردار): ۱

محمد اسماعیل خان هزاره: ۹۸

محمد اعظم خان (امیر): ۸۳، ۸۴، ۸۵

محمد امین خان / خان خیوه: ۲۵، ۷۰،

۷۱

محمد ایوب خان (سردار): ۸۶، ۹۳، ۹۷،

۹۸

محمد باقر (میرزا): ۱۳۰

محمد باقر (حاجی میرزا): ۱۲۲

محمد باقرخان یاور (میرزا): ۱۶۲

محمد تقی خراسانی مجتهد (حاجی شیخ):

۱۱۹

محمد تقی خان بختیاری: ۱۳

محمد تقی خان بهندانی: ۶۲

محمد تقی خان ندایی: ۵۸

محمد جعفر خان: ۱۵۷

محمد حسن مامقانی = شیخ العلماء: ۱۶۳

محمد حسن خان: ۱۵۷

محمد حسن خان / دیگری: ۶۸

محمد حسن خان رساله دار: ۱۲۹

محمد حسن خان قره سرتیب همدانی: ۷۵

محمد حسین خان (کربلائی): ۵۸

محمد حسین خان خلیج: ۴۸

محمد حسین خان مستوفی (میرزا): ۱۳۷

محمد حسین میرزای مهندس: ۱۳۵

محمد رحیم خان اورگنجی: ۳

محمد رضا (شاهزاده): ۵۰

محمد زمان خان (سردار): ۵۱

محمد سعید انصاری (میرزا): ۳۶

محمد شفیع شیرازی اوصال: ۲۵

- محمد شيخ / رئيس تراكمه: ٧٨  
محمد صادق خان وقايع نگار (ميرزا): ١  
محمد صديق خان: ٦٦  
محمد علي بارفروش (حاجي): ٤٢  
محمد عملي تويچي بسطامي: ١٢٣  
محمد علي جوانشير كابلې (ميرزا): ٥  
محمد علي زنجاني (ملا): ٤١  
محمد علي خان: ٦٢  
محمد علي خان (سردار): ١٣٠  
محمد علي خان (سرهنگ): ٥١  
محمد عي خان (ميرزا): ٢٧، ٢٨  
محمد علي خان ديوان بيگي نوري: ٤٢  
محمد علي خان / پسر سالار: ٤١  
محمد قلي (كربلائي): ١٤٥  
محمد كاظم ملك التجار (حاجي): ١١٩  
محمد كريم ميرزا قاجار: ٦٢  
محمد مهدي (حاجي): ١٥٠  
محمد ناصر خان / پسر شجاع الدوله: ١٠٩  
محمد ناصر خان دولو = ظهير الدوله: ٤٧، ٤٩  
محمد ولي خان / برادر آصف الدوله: ١٣  
محمد ولي خان قاجار نايب: ٢٨  
محمد يوسف (شاهزاده): ٥٠  
محمود خان وزير (ميرزا): ١٤٣  
محمد ميرزا (سلطان): ٤٨  
مختار: ٦٣  
مختار السلطنه: ١٤٠  
مختار بن ابي عبيده ثقي: ٩٥  
مخدوم قلي تركمان: ١٣  
مدحت الوزاره: ١٢٨
- مدير الدوله: ١٢٦، ١٣٠  
مراد خان (مير): ٥  
مستشار الملك، شفيح خان (ميرزا): ١٣٠  
مستشار الملك، محمد باقر خان طبسي (حاج): ٨٢  
مستوفي الممالك، يوسف (ميرزا): ٨١  
مسكين شاعر: ١١٤  
مشار السلطنه، اسد الله خان (ميرزا): ١٢٩  
مشاور الممالك، علي قلي خان: ١٤٠  
مشكوة (شاعر): ١٤٨  
مشير الدوله، جعفر خان (ميرزا): ١٣، ١٨، ٤١، ٥٥  
مشير الدوله، محسن خان (ميرزا): ١٢٧، ١٣٢  
مشير السلطنه: ١٦٩  
مشير الدوله / نصر الله خان (ميرزا): ١٣٢  
مشير الملك: حسن: ١٤٧  
مصطفى خان قراقرلوي همداني: ٣٠، ٤٩  
مصطفى قلي خان مير پنجه: ٨٦، ٨٩  
مطلب خان: ٢  
مظفر الدين شاه: ٧٨، ١١٤، ١١٥  
١١٧، ١١٨، ١٢٥، ١٢٧، ١٢٨  
١٣٧، ١٣٩، ١٤٣، ١٤٩، ١٥٢  
١٥٦  
مظفر نظام: ١٦٧  
معاون الاياله، تقى خان: ١٤٤  
معاون التجار (حاجي): ١٢٩، ١٦٢، ١٦٩  
معاون الدوله: ١٣٩  
معتمد الدوله، عبد الوهاب خان (ميرزا) = نشاط: ٢، ٤، ٩

- معمدالدوله، منوچهرخان: ۱۳، ۱۷
- معین دیوان: ۱۳۹
- معین الملک: ۱۳۱
- مکدونالد، جان کینز (سر): ۴
- ملکالتجار طهران، محمد کاظم (حاجی):
- ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۴
- ملک الشعراء، فتحعلی خان: ۱۰
- ملک الشعراء صبورى: ۱۴۸، ۱۵۹
- ملک قاسم میرزا شاهزاده: ۱، ۵، ۵۰
- منتخب الملک، محمد قلی خان (میرزا):
- ۱۲۸، ۱۴۸، ۱۴۹
- منتصر الملک، محمد حسن میرزا: ۱۱۱
- ۱۶۲
- منصور حلاج: ۱۶۷
- منلیک / پادشاه حبشه: ۱۲۴
- منیف افندی = منیف پاشا: ۸۷، ۱۲۴
- منتصر الملک، محمد حسن یوزا: ۱۱۱
- ۱۶۲
- مؤمن الملک، سعیدیخان (میرزا): ۶۴
- ۸۱
- موثق الملک: ۱۶۹
- موسی ترک (شیخ): ۱۳۰
- موسی خان متولی باشی (میرزا): ۱۹
- مؤیدالتولیه، محمد سعید (آقاسید): ۱۲۷
- مؤیدالدوله، ابوالفتح میرزا: ۶۷، ۶۸
- ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۳۹
- مهدی دلال اصفهانی (حاجی): ۱۴۴
- مهدی مجتهد (حاجی میرزا): ۱۵۷
- مهدیقلی میرزا (نواب): ۴۲
- میرزا آقاسی (حاج): ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۳۵
- ۴۱
- میرزای ناظر: ۱۲۹
- ن
- نادرشاه: ۱۳۶
- نادرشاه خان سبی: ۷۲
- ناصرالدین شاه: ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۳۳، ۳۵،
- ۳۶، ۳۹، ۵۰، ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۹
- ۷۰، ۷۲، ۵۴، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۳
- ۹۷، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۳
- ناصر الملک: ۱۲۵
- ناظم الملک، جهانگیرخان: ۱۰۹
- ناظم الملک، فتحعلی (میرزا): ۱۰۶
- ۱۶۲، ۱۶۵
- نایب التولیه، حسن (حاجی سید): ۱۲۷
- ۱۵۷
- نجدالسلطنه، صدرا (میرزا): ۱۳۴
- نجف خان (میرزا): ۱۴۱
- نصرت الملک خراسانی، علیمردان خان:
- ۹۶، ۹۸، ۱۱۱، ۱۳۷
- نصیرالدوله، ۱۴۰
- نصیر الملک شیرازی، ۱۴۸، ۱۴۹
- نصیر دفتر: ۱۵۷
- نصیر دیوان: ۱۳۹
- نظر علی خان: ۵
- نظام الملک: ۵۶
- نظرخان کاهی: ۵۸، ۵۹، ۶۱
- نقیب الاشراف رکن التولیه: ۱۵۳
- نوز (مسو): ۱۳۳، ۱۳۷
- نیرالدوله، حسین میرزا (سلطان): ۱۲۴

۳۹، ۴۰، ۵۰، ۶۶، ۹۸، ۱۲۳،

۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۴۹

یحیی (سید) ۱۶، ۱۷، ۴۱، ۴۸، ۴۹

یحیی خان آجودان: ۷۴

یحیی خان ایلچی (میرزا): ۸۷

یزدان: ۵۸، ۶۱

یزدان بخش میرزا / پسر سالار: ۴۹

یزدان وردی خان: ۲۸

یس خان: ۵۸

یعقوب ارمنی (آقا): ۴

یعقوب جهود: ۱۴۷، ۱۵۴

یمین الدوله، مسعود میرزا = ظل السلطان:

۷۸، ۸۴

یوسف بیگک: ۲۱

یوسف خان سر تیپ (حاجی): ۴۷

یوسف خان هزاره: ۸۳

یوسف خان سر تیپ کزازی: ۷۶

یوشیدا: ۸۹

۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲

نیکلای: ۱۲، ۱۲۰، ۱۴۲

و

وردی بای ایشان: ۱۳۵

وزیر خلوت: ۱۲۱

وزیر نظام، فضل الله (میرزا): ۶۹

وکیل التجار نیشابوری: ۱۶۸

ولاس اف (جنرال): ۱۲۷

ه

هاشم مجتهد (حاجی میرزا): ۳۲

هدایت سلطان: ۱۲۶

هراتی شاعر: ۱۱۴

ی

یارمحمدخان = امین الدوله = ظهیرالدوله =

سهام الدوله بختیاری: ۶، ۳۰، ۳۷، ۳۸

## ب) اعلام جغرافیایی

استاند (بلیک): ۱۴۲	آ
استرآباد: ۵۱، ۷۸، ۷۹، ۹۴، ۹۸	آخال: ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۴۴، ۵۰، ۶۴
۱۲۵، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۵۵	۶۹، ۷۴، ۸۴، ۸۷، ۸۸، ۱۰۸
اسفراین: ۳۹	۱۰۹، ۱۳۵، ۱۶۴
اسلامبول: ۱۴، ۲۱، ۹۴، ۱۳۲، ۱۴۲	آذربایجان: ۳، ۱۱، ۱۸، ۳۵، ۴۱، ۴۵
۱۴۳، ۱۴۷	۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۹، ۱۵۷
اسماعیل آباد: ۶۲	آرزونیه / کرمان: ۵۴
اشتراک: ۳	آستارا: ۱۵۰
اشتهارد: ۸۸	آق قلعه: ۱۴، ۱۰۳
اشرف: ۱۳۴	آلمان: ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۵۱
اشنویه: ۹۰	آواز: ۶۰
اصطخر: ۵۵	آهنگران: ۶۰
اصفهان: ۹، ۱۷، ۴۸، ۷۲، ۷۹، ۸۱	
۸۷، ۹۴، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۹	الف
۱۵۸	اَتریش: ۸۸
افغانستان: ۲، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۵۴، ۵۹	اردبیل: ۱۲۹، ۱۵۲
۷۲، ۸۳، ۹۷، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۲۱	ارزنه الروم: ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۲، ۲۴
۱۴۱	ارگ تهران: ۸۰
امامزاده جعفر / یزد: ۹۴	ارگ مشهد: ۳۷، ۳۹، ۱۵۳، ۱۶۷
امامزاده سهل بن علی: ۱۰۷	ارگنج: ۶۷، ۶۸، ۷۰
امامزاده گازرسنگ: ۳۶	ارومی: ۹۰
انارده: ۵۷	اژدرکوه: ۲
اندرخ: ۱۳۶	اسپانیا: ۱۳، ۱۴، ۱۵۲



برسا: ۲۳	انزلی: ۱۰۷، ۱۵۷، ۱۶۳
برلن: ۱۳۲، ۱۴۱	انگلیس: ۴، ۱۸، ۲۱، ۳۷، ۴۱، ۸۱
برناآباد / مشهد: ۳۹	۹۷، ۹۸، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۲۰
بروجرد: ۱۱۹	۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶
بروکسل: ۱۴۲	۱۴۰، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲
بسطام: ۸۵، ۸۲، ۲۶	۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴
بصره: ۵۵	اوج کلیسا: ۳، ۱۲
بغداد: ۱۷، ۴۱، ۱۴۰	اهرم: ۱۶۰
بلژیک: ۷۴، ۱۴۲	اهواز: ۱۶۳
بلغارستان: ۱۳۲	ایروان: ۳
بلوچستان: ۶۵، ۷۲، ۱۳۲، ۱۳۴	
۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۴	ب
بمپور: ۶۵	باخرز: ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۵۲، ۶۴، ۱۰۵
بند: ۶۱	بادکوبه: ۱۰۷
بندرعباس: ۶۸، ۷۱، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۶۴	بارفروش: ۴۲
بندرکنگان: ۶۵	بازار سید صادق یزدی / مشهد: ۱۲۶
بندر لنگه: ۷۱	بازة عور = هور: ۱۶۸
بندگلستان / نزدیک مشهد: ۱۴۵	باغ لاله‌زار / طهران: ۱۶۸
بوداپست: ۱۴۳	باغ خیابان / مشهد: ۳۸، ۳۹
بوزیخرد: ۱۳، ۲۸، ۲۹، ۳۹	بام / خراسان: ۱۲۶، ۱۳۶
بوشهر: ۱۴، ۱۵، ۷۲، ۱۳۳، ۱۳۸	بجنورد: ۸۲، ۹۸، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۴
۱۵۰	۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۴۹
بوئین: ۸۸	بحر خزر: ۷۹
بهندان = بندان: ۵۸، ۶۲	بحر عمان: ۳۷
بیت المقدس: ۱۳۱	بحرین: ۱۵۵
بیدگل / کاشان: ۱۳۱	بخارا: ۶۷، ۶۸، ۸۴
بیلان / گناباد: ۱۰۶	برآباد / خواف: ۱۲۰
	براشک: ۱۶۶
پ	برج میرالیمان / مشهد: ۴۶
پارسی قلعه: ۷۵	برجند = بیرجند: ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۱۴۱

جزیره الخضر: ۲۳  
 جزیک: ۶۱، ۶۰، ۵۸  
 جلگه سنی خانه: ۵۷، ۵۸  
 جلگه فیض آباد: ۶۲  
 جلگه گره گاه / بروجرد: ۱۱۹  
 جوشقان: ۷۸  
 جوین: ۲۷، ۲۸، ۴۰، ۵۰

### ج

جاه بهار: ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴  
 چشمه گیلان: ۸۲  
 چکنه سرو لایت: ۴۴  
 چشمن قهقهه: ۴۴  
 چناران: ۹۸  
 چهارجو: ۶۷  
 چهار رخص: ۶۱  
 چهریق: ۷۱، ۴۱، ۴۳  
 چهل حنجره / مشهد: ۱۳۶

### ح

حشده: ۱۲۴  
 حصار بند / مشهد: ۳۸  
 حمام شاه / مشهد: ۳۱  
 حمام شاهویردی خان: ۳۱  
 حیدرآباد: ۱۵۵

### خ

خانقین: ۷۹، ۸۴  
 خوشاه: ۶  
 خراسان: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۳، ۱۹، ۲۰،

پاریس: ۱۴۳، ۱۵۲

پر تسموت: ۱۵۱

پساکوه: ۸۵

پس کمر: ۱۳۷

پشکوه: ۱۵۰

پطرزبورغ: ۸۷، ۹۱، ۱۲۴، ۱۲۷،

۱۴۲، ۱۴۷

پل آق دربند: ۷۱

پیره بازار / رشت: ۹۴، ۱۰۷

### ت

تالار تخت مرمر: ۳۶  
 تایباد (طائبات): ۱۰۵، ۱۲۰  
 تبریز: ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۳۵، ۴۱،  
 ۴۳، ۵۲، ۵۶، ۸۲، ۱۳۷، ۱۴۹،  
 ۱۵۱، ۱۶۱

تپه سلام / خراسان: ۱۴۶

تخت جمشید: ۱۳۸

تخت سفر: ۷

تربت حیدریه: ۵، ۶، ۵۳، ۶۰، ۱۲۰،

۱۳۵، ۱۳۶، ۱۶۶، ۱۶۷

ترشیز: ۵، ۶، ۱۳۵

ترکستان: ۸۴، ۱۳۵

ترکمان چای: ۴

ترنج آباد: ۱۳۹

تفلیس: ۱۲، ۱۱۰

تون: ۱۴۷

### ج

جام: ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۵۲، ۸۶، ۱۴۰